

( نجل المتین کلکتہ )

( مدیکل کالج استریت نمبر ۴ )

HABIBUL HAFIZ OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

( کلیہ امور ادارہ با )

( مدیر کل مؤید الاسلام است )

( ہر دو شنبہ طبع )

( وسہ شنبہ توزیع میشود )

( ہر دو شنبہ )

( ۲۳ ذالحجہ ۱۳۲۸ ہجری )

( مصادف با )

( ۲۶ دسمبر ۱۹۱۰ میلادی )

( قیمت اشتراک )

◀ دلا جی اخذ ہوتے بدون قبض تدارک و تارقہ کے  
( مشترکین و انصاف خصوص سال ہر ہجرت دست نہایت )  
( نما نشان بری شناختہ میشود )

( سالانہ — شش ماہہ )

( ہند و برہمہ )

( ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ )

( ایران و افغانستان )

( ۴۰ قران — ۲۰ قران )

( عثمانی و مصر )

( ۵۰ مجیدی — ۳۰ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک )

( روس و ترکستان )

( ۱۰ منات — ۶ منات )

◀ سنہ ۱۳۱۱ ▶

◀ مراسلات خصوصی بدون امضای ▶

( معروف ادارہ درج نمیشود )

# المتین

◀ در این جریدہ از ہر گونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود ▶  
( مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست )

## ◀ ایران و استقراض خارجی ▶

نظر بر اینکہ از یک قرن باین طرف دوبار ایران چہ در سیاسیات و چہ در اقتصادیات خوبتر را در کند اسارت روس و انگلیس انداختہ در امر اعم از جزئی و کلی راہی جز توسل روس و انگلیس نمی بیند ، این است کہ از یک و نیم سال باین طرف ہم کہ دورہ تجدید ایران گذرہ میشود باز رجال مجدد پرور ما چہ در اقتصادیات و چہ در سیاسیات چنم از روس و انگلیس بر نمی بندند ، و گویا بدست خویش سعی اند کہ بندہای اسارت خودشان را محکم تر نمایند ، و با اینکہ بر آنها ثابت شدہ کہ ہر قدر متوسل بہ این دانتگاہ مہربان تر از مادر شوند بیشتر مضرات سیاسی و اقتصادی برای خویش تولید مینمایند ، و نبوتی بہتر از این نیست کہ اینک یک سال وادی است برای جزئی استقراض بانہا متوسل شدہ چہ اشکالات پیش آورده و چہ مانع ترافی ہا نموده اند ، بوسیلہ همین دست تکدی بود کہ نزد آنان دراز کردیم کہ آئینہ شروط و یادداشت های استقلال شکنانہ بایران پیش گردید (مراسلات چهارمہ گانہ را کہ ہفتہ گذشتہ اشاعت دادیم این نکتہ را بخوبی آشکارا مینماید .)

علت ہم دو امر است . یکی آنکہ از چندی

باینطرف وزراء خارجہ ما بر حسب نفوذ این دو ہمسایہ یا طرفدار روس بودہ اند و یا خیرخواہ انگلیس . دیگر اینکہ از روی علم و اصول فن اقتصاد بی بہرہ ، و سعی اند کہ بہمان وضع شرب الیہودی اوایہ بولی بدست آرند و بخیمال خام از آن بول حفظ استقلال ایران را بنمایند ، و حال آنکہ ہر دیناری کہ ازین دو ہمسایہ و یا از بانکہای شاہنشاهی و استقراضی ~~سکہ~~ آلتہ پیشرفت مقاصد سفارتین مستند استقراض شود ، بمحو سیاسی و اقتصادی ایران کوشیدہ اند . امروزہ کہ دولت ایران یا بہ تجدید نہادہ اولین شرط حفظ استقلالش این است کہ بہر وسیلہ بتواند خویشتر را از بندہای این دو ہمسایہ اعم از اقتصادی و سیاسی برہاند هیچ حای شبہ نیست کہ محکمترین بند اسارت کہ بگردن یک دولت ضعیف در این عصر تمدن گذارہ می شود بذریعہ شروط استقراضیہ است . دول عالم تمدن بذریعہ شروط استقراض در ممالک ضعیفہ محتاجہ ہمارہ بر مرکب آرزوی خود سوار گردیدہ اند . حریشان ما یعنی ہسایگان مہربان ، از دورہ استبداد بہر وسیلہ کہ توانستہ اند یک مشت بولی براسیہ اطلاق کاری رجال خان دادہ و جنگال های خود شانرا در جسم ما فرو بردند . امروز اولین وظیفہ استقلال جوئی رجال ایران آلتہ بہر

وسيله ممکن شان شود خويشتن را دوجار استقراض جديد اين دو همسايه نمانند چه بدون حرف استقراض از همسايگان يا از بنگهان که تحت حمايه سفارتهاي آنانند، ولو شرايطش هر قدر سهل و ساده باشد ساخته ايم .

آيا آن صدماتيکه در اين مدت از ننگهاي دو همسايه ديده و آنچه اجحافاتيکه آنها نموده اند مارا متنبه ساخته ، ظالم است که اين جزئ استقراض کافي از اصلاحات داخل نتواند شد و اين جزئ وجه پيش از پيش ما را محتاج خواهد ساخت و دست و پاي ما را خواهد بست چه با اين وجه بهر اصلاح شروع نمائيم ناتمام خواهد ماند ولو در اين موقع اين استقراض بلحاظي چند براي رام کردن قلوب رهيده ملت حالي از شروط بلتيکي باشد مقدمه شروط بلتيکي براي آيينه خواهد گرديد ، و همين که خودمان را در بجهت آنان دوجار ساختيم نه از ديگران تمناي همراهي توانيم داشت و نه از آنها بدون شرايط استقلال ويران کن رفع احتياجاتمان خواهد گرديد

بنگ شاهنشاهي که رضا بکسر تزييل قروض اوليه خود ميدهد بجهت سياسي بست امروز بزرگترين مایه اعتبار ايران براي استقراضات خارجي هما گمرکات جنوب است که رسماً سرهون هيچ استقراضی نميباشد و اين سرمايه کافي براي يك استقراض بزرگي است که بتواند رفع احتياج ايران را تا چند سال از استقراضات خارجي بکند و اگر رسماً رهن بنگ شاهنشاهي در آيد در آينه از جلب استقراض خارجي از اين سرمايه هم محروم خواهيم ماند . آن وقت که دست وباي مان بسته شد آنچه نخواهند خواند نمود و هر شرطي که ميلشان باشد با خواهند قبول آيد . غافل نباشد که آنچه فشار هاي انگليسي در مسئله جنوب براي مجبور ساختن ما در قبولادن چنين استقراضی است چنانچه ( طمس ) در همان بدو پيش شدن يادداشت دل خراش ( سرادوردگري ) بايران تصريح باين نکته نمود . حالا به عنواني مي درست بايد باريک شود که مانع تراني وزارت خارجه انگليس از استقراض ايران از صراف خانه هاي ديگر شدن و فشار سنارت دولت مشاراً اليها که بايد استقراض از بنگ شاهنشاهي بشود مبني بر چيست ؟

وزراي دولت و وکلای ملت بايد مال انديش و

ماقبت بين باشند و غور کنند که آيا اين استقراض جزئي که حصه بيشترش در ادای قروض سابقه دولت صرف خواهد شد چه رفع احتياجي از دولت تواند نمود ، جز اينکه گمرکات جنوب را هم مانند گمرکات شمال از اختيار خود خارج نمائيم ، و اين سرمايه اعتبار را هم از دست بدهيم ، و هرگاه گفته شود که بواسطه فشار همسايه از قبول اين استقراض ناچاريم بايد در علت اين فشار غور نمود ، آيا اين استقراض ما را از نيجهت آت فشار بلتيکي مصون تواند داشت ؟ مرکز ! چه سياسيوت مسلکيرا که اتخاذ ميمايند با هزاران وسيله در تعقيب ميکوشند و پيش روت امور بلتيکي تدريجي است ، سياسيون نمره نخعي را که امروزه مي باشند سي سال ديگر بر بيدارند و مانند ما بي مسلکات ان الوقت نيستند . تصديق داريم که هيچ شرط تازه براي اين استقراض که عبارت از تبديل استقراضات است در پيش نيست ، ولي همينکنه کافي است که رسماً گمرکات جنوب برهن بنگ شاهنشاهي قرار ميگيرد و تا چهل و دو سال ديگر ايران بايد در همه گونه زيادتي هاي بنگ شاهنشاهي تحمل کنند .

ياد داريم اياميکه اميرالسلطان خان وطن فروش آت قرضه حاه بر انداز را از روس نمود و اي احق ساختن ملت غافل ، نافع آت استقراض را چنين بيان کرد ، دولت قروضيکه دارد هم در جمع کرده و از سود هاي صد دوازده و هيچده فارغ شده و تبديل بصد بيج خواهد نمود . و چون گمرکات همه روزه در ازدياد است و ماليات دولت در فزايش ، به در ادای اقساط قرض تامل خواهد شد و نه از اين به بد دولت محتاج بقرض خواهد گرديد از اين رو شرط شده که قبل از ادای اين وجوه ، استقراض ديگري را بدون اجازه روس نمائيم ، خدا کند اين منفيکيکه در اين استقراض نموده شده مانند منافع آت استقراض نباشد ، ولي ما در هر صورت باظهار و رای خود ناچاريم که استقراض از دو همسايه با بنگهائيکه در تائيد سفرای آنهايند ولو شرايطش هر قدر ساده و سهل باشد زبانات بلتيکي و مضرات لايفک براي آيينه ايران خواهد داشت ، و اين استقراض نه تنها مؤيد خيال همسايه است

بلکه هیچگونه رفع احتیاجی از ایران نتواند نمود و در آینده دولت و ملت را بمهالك و خطرات عظیمه خواهد انداخت

امروزه برای استقراض ایران بر حسب تصدیق نامه دولتین روس و انگلیس در تاریخ ۲۶ ربیع الاول سنه ۱۳۲۸ از خارجه هیچگونه مانی نیست، و رجال ما بواسطه نعلی و سرعوییت هیچگونه تلاشی در تحصیل وجه جز از انگلیس و روس نه نموده بلکه بر طالبان چنین مشابه ساختند که دولت ایران در امر مالیه و اقتصادیه بقبضه روس و انگلیس است از این رو دیگران هم بخودی خود پیش قدمی نه نموده اند. هرگاه به اصول فن اقتصاد استاتستیکی ترتیب داده و بصرفان سایر دول اروپا رجوع نمایند تصور نمیکنیم که مقضی المرام نشوند، چنانچه رجال با علم و دانش عثمانی در مقابل فشارهای فراسه کامیابی کامل حاصل نمودند.

وکلای ملت و رجال دولت اگر استقلال مملکت خود را خواهند و آزادی معنوی میطلبند باید ترك مرعوییت گفته قرضه که کالی از اصلاحات ضروریه باشد و بتواند ادای کلیه قروض ایران که از دولتین روس و انگلیس دارد نه نماید رجوع به صرفا غنای دیگران کنند و لو بدادن برخی امتیازات بآنها و قبول نمودن کنترل آنها بگمرکات شمال و جنوب باشد، و هیچ جای شبهه نیست که از روی فن اقتصاد اگر بروگرام صحیح تعیین شود فقط کمرکات ایران از تضامن چنین استقراض کافی تواند بود. عدم اقدام وزرا تاکنون در این امر از مرعوییت های بر منی است که همسایگان را باین جسارت و ابرائیان را باین فلاکت انداخته.

بارها گفته باز هم میگویم «بامرعوییت حفظ استقلال مملکت محال است» و همسایگان پیش از آنچه در حال مرعوییت بحق ما روا داشته اند در موقع جسارت و ترك مرعوییت روا نتوانند داشت، لا علمی وکلا و مرعوییت وزرا دست و پای ملت را بقسی بسته است که تمام افراد ما بوسانه خود را در ایادی نفسالین مشاهده میبایند و حال آنکه چنین نیست و همسایگان دارند فقط از مرعوییت ما قانده بر میگیرند مثلاً. هنوز گویا وکلا بلکه وزرای ما هم نمی دانند که درسی و هفت سال قبل یعنی در سال ۱۸۷۳ میلادی

بین ایران و آلمان در سایه سیاست (بهارك) و مرحوم میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار که وراثت شادباد عقد معاهده بسته شده که بر حسب فصل هجدهم آن معاهده دولت ایران میتواند فوائد بزرگ از آلمان حاصل کند. معاهده مذکور دوستانه و تجارتی است و دولت ایران متعهد شده است که همه گونه رعایت های تجارتی در حق تجار آلمان در هر نقطه از نقاط ایران به نماید. و دولت آلمان در فصل هجدهم آن معاهده متعهد شده است که هرگاه بین ایران و همسایگانش مناقشه و اختلافی پیدا شود و دولت مشار الیها را بناید بخواهد آلمان دوستانه در میان آمده رفع آن مناقشات را خواهد نمود.

ایرانیان تاکنون بر طبق این معاهده آنچه شاید و باید نسبت به تجار و مالالتجاره آلمان همراهی نموده حق در زمان صدارت شاهزاده عین الدوله اجازه تشکیل بنک هم یافتند. و همراهی دولت ایران نسبت بمرسه آلمان لازم به بیان نیست. ولو تاکنون منافصیکه باید از آن معاهده بر دارند از مرعوییت یعنی خوف از روس و انگلیس نه بردماند، مسلم است اگر ابرای بر حسب معاهده خود در مناقشه با همسایگان که از چند سال باین طرف به ناحق او را در فشار آورده رجوع بآلمان می نمود علاوه بر اینکه مقتضیات کنونی آلمان او را بیامیگیری سوق میداد بر منطوق فصل هجدهم معاهده مذکور آلمان مجبور بود که ایران را از این مناقشه همسایگان برماند. «ما هفته آینده عین معاهده را که بزبان فرانسه است ترجمه نموده برای آگاهی وکلای ملت درج مینمایم» اینست که ما کلیه بدبختی خود ما را از لا علمی وکلا و مرعوییت موروثه وزرای خود میبهاریم، ورنه ایران تا این درجه مستاصل و در فشار اقتصادی و سیاسی دو مسابه واقع نمیگردد و هنوز هم نجات ایران را در دانش وکلا و ترك مرعوییت وزرا میدانیم

حفظ استقلال يك مملکت

( به حقوق شناسی ابناء وطن است )

بزرگترین دشمنان استقلال يك ملت همانا جهل افراد آن ملت بحقوق سیاسی خویش است، یکی از شامت کارهای دوره استبداد که تاکنون نیز اثرش در ایران باقی مانده همانا بی اطلاع گذاردن

از حقوق سیاسی است جهل ملت و از فشار همایگان مایوس الاستقلال میسازد، بیاطلاعی ملت را مرعوب اجانب میبکند، عدم آگاهی ملت بمقوق سیاسی خویش بر تجارت اجنبیان می افزاید

مسلم است که حفظ حقوق استقلالیه يك ملت اول در حایه شمشیر و تازی در سایه معاهدات سیاسیه و اقتصادی با دول بررکاست و همینکه ملت از روی معاهدات با دول بمقوق سیاسی خود واقف شد مزید بر قوت قلب او گردیده برای جلوگیری از تجاوزات متجاوزین مستعد میگردد و نیز همینکه متجاوزین ملتی را بمقوق خود آگاه یافتند طبعاً در تجاوزات خویش تهاون میورزند، بعقیده عامه واقفان رموز تجارت همایگان ایران در تجاوزات بدشتر بواسطه اطمینانی است که بعدم علم ملت از حقوق خود دارد و اگر قدری باریک شویم خواهیم دید که غالب رجال وطنخواه ما نیز که مانند مگس دست حسرت بر سر نهاده فریاد میزنند و مایوسانه می یا حرکت مذبح می نمایند بواسطه عدم علمشان است بمقوق سیاسی مملکت، و امروزه بهترین قوت قلب و نیکوترین اسباب اطلاع برای عامه ملت از حقوق سیاسی همانا اشاعه معاهدات ایران بادول سائر است که گویا اوار و وطنیه جرابدملیه طهران میباشد اگر گفته شود بعضی از معاهدات دول سری و اشاعه آن جایز نیست میگوئیم آنچه تحقیق پیوسته تا کنون ایران با هیچ دولتی معاهدات سری نداشته و کلیه معاهدات ایران در همه جا بزبان های مختلف اشاعه یافته جز در خود ایران، و چون ما معاهده سری با هیچ دولتی نداریم گویا اگر وزیر خارجه ما معاهدات ایران را با دول در يك مجله طبع و انتشار دهد ابدأ منافی با سیاست نخواهد بود

کسانیکه واقف بمعاهدات ایران با دول سائره میباشد مرعوبیت رجال ایران و مایوسی آنان خنده های گریه آور می نمایند که تا این درجه از روی بیاطلاعی در فشار و زیادتی همایگان جسور ساکت و صامت نشسته اند،

ما نظر بمقتضیات سیاست کنونی دنیا و نظریاتیکه در معاهدات ایران با دول سائره داریم اینانیکه وطن محبوب خود را اطمینان و قوت قلب بخشیده عرض می نمایم که اگر رجال کنونی شان ترك مرعوبیت گشته وبدون جهت وسبب تسلیم باجهاقات

همایگان نکرند هیچ زبردستی آنان را زبردست نتواند کرد

اینک سی و هفت سال است که دولت آلمان در سایه يك معاهده سیاسی و اقتصادی دارد از ایران متنوع میگردد و ایرانیان را مجبور به پایبندی در مواد این معاهده می نماید، ولی بدبختانه ایرانیان نه توانستند با وجود حق و موقع ذره از آب مساعدت بهره ور کردند و حال آنکه اگر رجال ما واقف بمواقف عصر بودند و دانا بشکات سیاست بهترین فائده را درین موقع از آن معاهده میگرفتند و در صورتیکه آلمان بر حسب معاهده از همراهی بایران توانی می جست به تهدید سلب حقوق او را مجبوراً به کمک خویش سوق میدادند و حال آنکه امروزه مقتضیات سیاسی آلمان طبعاً او را به حایه ایران می کشاند و منتظر اشاره رسمی بر طبق همان معاهده است

ولی بدبختانه ارباب حل و عقد و حلقه های سیاسی ما از بس مرعوب همایگان شده جناب تصور میکنند که اگر در مقابل آنان دعوی حق یا اسم قانون و معاهدات بزبان آرند میر غضب دو همسایه زمان شارا از بیخ خواهد برید، چه رسد بر اینکه اسم آلمان و معاهده و پرا زبان آرند، خنده آورتر اینکه محبات ایران را غافلامه در تضرع و جابلوسی به همایگان دانستند

ارباب حل و عقد ایران راست که کیسبون مخصوص از سیاسبون دانا تشکیل داده نظریات کامل بمعاهدات دول متحابه نموده سرأ مواضات لازمه با آنها گذارده علناً به تنقیب مواد عهدنامهجات خود بکوشند و ابقان کنند که در اختیار چنین مسلکی محل ترمض هیچ دولت واقع نتواند شد و یقین نمایند که با معاهدات آنان با غالب دول معاهده که روس و انگلیس در تقسیم ممالک آنها نموده و یاد داشت های بی منی غیر قانونی که سنارترین دوهسایه بی در پی بایران داده و میدهند تمام ماطل و باطل خواهد ماند، چه طرف معاهده دولتین نه ایران و نه دول سائره است، فقط دولتین خودشان را در مسائلی چند پای بند قرار داده اند ولی دول سائره حتی دولتین روس و انگلیس مجبور به پایبندی آن معاهداتی هستند که بین ایران و دوله سائره بسته شده است

حفظ بیضه اسلام واجب عینی است  
 ابرایان مسلمانند، و یقین دارند که دین مقدس اسلام کفیل و ضامن خیر دنیا و آخرت است از برای مسلمانان، و خیر دنیا و آخرت حاصل نگردد مگر به تحصیل رضای آبی، و تحصیل رضای آبی در عمل کردن به احکام مقدسه شریعت است لوجه الله و طلباً لرضاه، یعنی مسلمان رضای آبی را اجر عمل خود میداند، و البته عمل هر قدر مهمتر باشد اجرش بیشتر یعنی رضای آبی بیشتر متوجه عامل خواهد بود، پس مسلمان قائل و عامل باید تمام احکام را عامل و مطیع باشد، و از روی اقتصاد میزانت الایم فالایم را ملاحظه نماید، و مراتب اهمیت احکام را بشناسد، و بعد از این مقدمه مختصر بنظر قارئین عرضه میداریم که مهمترین احکام اسلام یعنی اهم مطلق که مقید به قیدی و مشروط به شرطی نیست، عبارت است از حفظ بیضه اسلام که بر تمام مسلمین کافه کلی محسبه واجب مؤکد است بلا قید و بلا شرط، و این حکم حفظ بیضه اسلام حاکم است بر تمام احکام، و هیچ عذری و طائی از برای عمل کردن به این حکم متصور نیست، بخلاف سایر احکام که بعضی بر بعضی حاکم است، مثلاً اگر کسی ناخوش باشد یا عیلة ناخوش شدن بدهد روزه بر او با اینکه واجب است حرام میشود، چرا که حکم حفظ صحه حاکم است بر او و امثال آن، لکن این حکم حفظ بیضه اسلام چندان اهمیت مطلقه را داراست که باید نفوس محترمه را که حفظ او از غالب احکام لازمتر است فدای این امر نمود، قال الامام علیه السلام - اجعلوا انفسکم دون دینکم - و اگر مسالماها را کفار در جلو صف خود شان قرار دهند که مانع از وصول صدمه بر کفار باشند باید آنها را کشت، و ایشان شهید اند که حیراً نگاه داشته شده اند و قاتلین ایشان هم مأجوراند که در حفظ بیضه اسلام قدم زده اند و جهاد نموده اند، و این حکم در واقع ام الاحکام است، و زیرا که اگر مسلمانان حفظ بیضه اسلام نکنند، و دین اسلام دست خوش کفار و پاپال اجانب گردد دیگر سایر احکام مثل نماز و روزه و حج و جهاد و روزه خوانی و زیارت قبور ائمه و زیارت عاشورا و غیرهم کجا خواهد ماند.

چنانکه تاریخ اندلس ما نشان میدهد که چون بیضه اسلام در هم شکست احکام بالتبع محو و نابود گردید و اسم اسلام و مسلمانی در آنجا پیدا نمیشود، و چون این مقدمه تائیه هم بطور اجمال ثابت شده، عرض میکنم که ابرایان هر چند که بر سبب کفار از نزاع لفظی خون هم دیگر را جاملازه میخورند و هزار شبهه منشعب شده اند صنفی مشروطه و صنفی مستبد صنفی اعتدالی صنفی انقلابی و غیره شده اند، لکن بی و بین رب العالمین کسی نمیتواند بگوید که از مسلمانان خارج شده اند، بلکه تمام این اصناف مسلم و قائل بر شهادتین و عامل و مطیع احکام شرع مقدس محمدیه هستند، خاصه این حکم مطلق لا بشرط که حفظ بیضه مقدسه اسلام باشد و هیچ عنوانی مانع از این تکلیف شرعی مطلق نتواند بود مجتهد، مقلد، فقیر، غنی، عالم، اعیان، تاجر، کاسب، عادل، فاسق، عرب، عجم، ترک، کرده، لر، شهری، صحرائی، خراسانی، استرابادی، مازندران، گیلانی، آذربایجانی، کردستانی، لرستانی، خوزستانی، عراقی، اصفهانی، فارسی، کرمانی، بلوچی، اوزی، سیستانی، قزاقی، یزدی، ایلاتی، شامسوی، قشقایی، شقایی، بختیاری، گلپری، سنجایی، پشتکوهی، سکودی، درکودی، یازده ساله، بیست ساله، سی ساله، چهل ساله، بیجا ساله، شصت ساله، هفتاد ساله تا مرد حالت تکلیف دارد تماماً در این تکلیف مساوی و شریکند اگر حفظ بیضه اسلام متوقف باشد بر اینکه تمام ابرای مرد و زن صغیر و کبیر عالم و جاهل کشته بشود کشته شدن بر تمام ابرای واجب عینی است بلکه بر تمام مسلمین بدون فرق مذهب و لسان و ملت و دولت و تبعیت، هر کس مسلمان است تبعه، روس باشد تابعه انگلیس یا تبعه فرانسه یا عثمانی یا ایرانی یا افغانی یا ترکستانی یا هندی یا بلوچی یا چینی یا مصری یا تونس یا الجزایری یا مراکشی بر تمام آحاد مسلمین بدون فرق و تفاوت واجب عینی است، زیرا که بدون اجرای این تکلیف و بدون بقای بیضه مقدسه اسلام و ممالک اسلامی و دول اسلام هیچ حکمی را موقع اجرا باقی نخواهد ماند، این حکم بمنزله ساقه درخت و سایر احکام بمنزله شاخ و برگ اوست، اگر ساقه بریده شد باطلیمه شاخها و برگها معدوم خواهد شد، این حکم بمنزله ریشه و سایر احکام بمنزله قوای

ظاعری و ناسی و جسد و اعصاست، اثر روح پروار کند البته از قوا و اعضا آری باقی نخواهد ماند، و چون از این بیات اجالی اهمیت تکلیف حفظ بیضة اسلام و تکلیف شرعی واحی عمر مسلمانی معنی شد، تعرض برادران نبی خود مرسایم که عموم علای اسلام احصاء نمایند بر اینکه (مالا یتیم الواجب الاله فهو واجب الاله) یعنی مقدمه که وجود یک واحی وجود او متوقف باشد او را بجای آوردن مثل هر واحد واحی است. مثلاً اگر شارح بفرماید که باز یکی و حوباً از این امر جابج و حوب صلوة معلوم میشود بجای آوردن سباعت هم مثل آن و حوباً معلوم میشود زیرا صلوة سباعت بطهارت صورت نموده، تکلیف حفظ بیضة اسلام که و حوب و ایتش معلوم شد مقدمان که ضرور این است و حوب او متوقف است مثل او واجب است، پس حفظ بیضة اسلام که ضرور است و اهم التکلیف کافه مسلمین است متوقف است بر اتفاق تمام مسلمین، و بدون اتفاق، محار در بیضا، حفظ بیضة اسلام محال است، و در اسلام را حوائد خداوند صیغه برادری واحوب مسلمان را حوائد و رسول اکرم هوا خواست مسلمین، و در اسلام، مؤکده قرار داده موجب این مقدمات که در اسلام، بیضا در شمار بر صدد ملعبیدن حوزه اسلام، و بیضا اسلام برآمده، امور تحصیل ادوار، و حفظ بیضة اسلام بر کافه اسلامیان و خاصه ایرانیان واجب عینی است، رعیت روس و انگریز بودن یا در حمایت آنها بودن یا سمت مأموریت آنها را داشتن یا حیره خوار آنها بودن یا طرفدار آنها بودن یا معااهده خفیه یا آنها داشتن یا قول خدمتگذاری با آنها دادن یا خلعت و نشان و رتبه و القاب از آنها داشتن یا مرادده بهای با آنها کردن و وعده حکومت ری و نادر را از آنها منظور داشتن این تکلیف دینی را از مسلمان و کسی که طمع در رضای الهی و امیدوار شاست رسول اکرم دارد مرفوع نمیدارد، باید مسلمان و متدین بدین خفیف اسلام تمام این ملاحظات را در مقابل این تکلیف و ام التکلیف زیر پا گذارده و بی ناکاه بر مرکب دیات سوار شود و گول کار را بخورد و آتش ابدی جهنم را با دو روزه عرت موهومی دیا معاوضه نکند،

و حال آنکه این چنین شخص در دنیا هم ذلیل و خوار خواهد شد، چنانکه خوانین قفقاز بعد از آنکه جان فشانی که در فتح قفقاز بروس کردند بعنوان اینکه اینان که با ملت خود خیانت کردند و دولت متبوعه هم دین خود را مقهور و مغلوب ما کردند در روز سعنی و شدت ما ما چه خواهند کرد، دایل و خوار و زبون، بالجه خسر الدنیا والاخره شدند، البته همه کس میداند که کسی که با مادر زنا کند یا بیگانه چها کند، در میان سی میلیون مسلمان بممالک روسیه کدام وزیر کدام قوورنات کدام مجریک کدام جنرال از مسلمانان معین شده و در ممالک وسیع هندوستان که قریب صد میلیون مسلمان هست کدام مأمور رسمی کدام افسر مسلمان است،

علماء و سادات واعیان و اشراف و وزرا و وکلا و حکام و رؤسای عشایر و شیوخ قباصل باید بدانند که عرت ایشان و شرافت ایشان در سایه بیضة اسلام و دولت اسلام است، اثر (حکمدهن) دارمسلط شوند یا برین و خوارترین همه ایشان و حوائد ایشان خواهند بود، زیرا که رسم (وجملوا اعزرة اهلها ادله) را خداوند به آیه (و کدایک بعملون) تصدیق میدرمايد، شیخی نیست که دولت غالبه سران و سر حبانان ملت مغلوبه را خواهد کور تا در مقابل تسامش متعزری و باطقی نبوده باشد، در هندوستان هر ارعالم و مجتهد جامع التریاط بود، هر اران امثال آن حضرت سردار ارفع بود و هر ار امثال جناب صولة الدوله و سردار اسعد و اقبال السلطنه و غیره بود و همچنین در ترکستان و قفقاز، کجا رفتند چه شدید چرا حالا یکی از آنها پیدا نیست زیرا که مملکت بدست کفار افتاده و البته مسلمان سر حبان و سر بلند و سرفراز نباید در آنجا باشند، اگر نفاقه مشک به منجلا ب خلا افتد مستحیل گردد بوی مشک ندمد، حیث این عزت و شرافت و ریاست که در کار رفتن است، اللهم اما نرت الیک فی دولة کریمه تعرفها الاسلام و اهله و نذل بها التناق و اهله -

﴿ اتحاد قوای ملت ﴾

(حایه حیات بخش ایران)

احوال اسف اشمال امروزه ایران و مخاطرات عظیمة که از شش جهت بوسیله دستپاچه خیانت

کارانه و دسیسه‌های فساد جوینان دشمنان داخله و خارجه باو احاطه دارد و استقلال و عزت ایرانیان را تهدید مینماید برای همه کس آشکار، پس باید در صدد اصلاح معایب و رفع مزایا برآمد

اصلاحاتی که خیرخواهان ملت و استقلال طلبان ایران پیش نهاد کرده و چاره مائی که برای استخلاص وطن عزیز اسلامی خود از گرداب هلاکت ترتیب داده زیاد و بنسبت صفحات روزنامهها تماماً گوشه ملت و بشوایان نموده اند، ولی قانون طبیعی تقدیم الایم فالایم را لازم میدارد.

### اصلاح اهم کدام است ؟

اصلاح اهم همانا حفظ اصل مملکت و نگهداری استقلال داخلی و خارجی دولت از دست برد اجانب و جلوگیری از خیالات استقلال بر بادده آنها است در این مدت چهار سال بر هر سادۀ لوحی چه رسد به شباران و دانشمندان ظاهر و هویدا گردید که دول همسایه مهربان ایران در چه خیال میباشند و در چه خط حرکت میکنند و آرزوی ایشان چیست ؟

دشمنان داخله و خارجه درکار و آنی از خیالات فاسده و اقدامات حقوق شکنانه خود عقلت ندارند، در این صورت مشغول شدن ایرانیان با اصلاحات جزئیۀ در برابر خیالات دشمنان سودی ندارد و نتیجه جز زوال و اضطلال نخواهد بخشید، پس بامور جزئیۀ پرداختن و بر سر یکدیگر زدند و خود را در انظار ضایع نمودن و منظور داشتن اولین سبب قوت اصل مقصد و موفقیت دشمنان است

عجبا در کدام قانون است که باید در فروع کار کرد و از اصول دست کشید ؟ بحجه يك امر جزئی مملکت را به باد داد ؟ بسبب پاره حزنیات جنگ خانگی را بریان نمود ! ! بمجرد اختلاف در مسلک قوای ملت را متفرق ساخت ؟ بواسطه اغراض شخصیه و کینههای دیرینه جلوگیری از اصلاحات نموده مانع از پیشرفت کار شد ؟

بگانه جاره امروزه ایران اتحاد و تمرکز قوای ملت و سعی در حفظ استقلال مملکت و بقای دولت است و جنم پوشیدن از بعضی جزئیات، چه بعد از رسیدن باصل مقصد و ایمن شدن از خارجه تمام این جزئیات بیک ماده قانونی اصلاح خواهد شد، و اگر خطای نخواستۀ مقصود نرسیم

این گونه اصلاحات جزئیۀ چه نمر دارد و کدام فائده بر آن مترتب میشود و چه سودی از برای مملکت خواهد داشت و چه استقلالی را حافظ خواهد بود ؟ پس ایرانیان در چنین حال و چنین فلاکت ناچارند از اتحاد مرکز و تمرکز قوای ملت که تمام فرق سیاسی مملکت جمع شده و کینه تاسیس نموده که مرکب از نمایندگان فرق سیاسی و ایلات و عشایر باشد و همه در تحت يك پروگرام کار کنند، و این کینه فقط در امور مملکت مشغول و امور جزئیۀ را بعهده اولیاء امور میگذازد

این کینه مرکز قوای تمام ملت ایران خواهد بود، این کینه نفوذ شخصی را از مملکت خواهد برداشت، این کینه تمام ملت ایران را باهم هم مقصد خواهد نمود، این کینه مانع از یانگی گری و عصیان مفسدين و مفرضین و سرکش از احکام دولت خواهد شد، این کینه اولین سبب استقرار مملکت و امنیت داخله خواهد بود، این کینه قطع همة اجانب را خواهد نمود، این کینه دول همسایه دوست نا را جواب خواهد داد، این کینه اولین موجب قوت دولت جوان ایران خواهد شد، این کینه اولین علت پیشرفت مقاصد و اصلاحات و احکام دولت خواهد بود، و بالاخره این کینه مایه نجات بخش ایران و سعادت آور خواهد بود

فرق سیاسی امروزه ایران در مملکت وجود ولی باز يك مرکز عالی دارد که بر تمام فرق حکم فرما است و در امور کلیه حاکم و فاضل آن مرکز است - جمعیت اتحاد و ترقی (ژون ترکیها) جمع تمام فرق سیاسی دولت عنانی است، چه قدر سزاوار است بلکه واجب است که کینه نجات ده ایران جمع تمام فرق سیاسی ایران شود، و علاوه دارای نمایندههای ایلات و عشایر هم باشد، چه در این روز قوای عمده دولت و ملت ایلات است

واقعاً خیل مایه نجات است که هر ایرانی را که می نگریم اول اصلاح را اتحاد و اتفاق میداند و ابتدا در صدد انجام این امر مهم نیست

بلی اتحاد و اتفاق عموم ملت خاصه ملت ایران غیر ممکن، ولی جرا اتحاد فرق سیاسی و مرکز قوای ایشان و در تحت پروگرام واحد کار کردن ممکن نباشد ؟ این فرق سیاسی از اشخاص بی علم

گشت مگر بوسیله اتحاد مرکز و تمرکز قوای ملت و تأسیس مرکز عمومی در مرکز

ای برادران ایرانی تا بحال با وجود این مواج داخلی و خارجی خوب پیش آمده اید، در این منزل آخر خود را نبازید، گول دیگران را نخورید، نبات داشته باشید، استقلال خود را از دست ندهید، و جداً در صدد تأسیس این کیتة عالی سعی و کوشش نمایید، و این سد آهنین را بدور خویش بکشید و این شاه راه نجات را به بیابید، و به تأسیس این مرکز بشتابید که آخرین چاره نجات و سعادت شما است.

ایه ایرانیان آیا گوش شنوا ندارید که ناها و فتنهای دل خراش خوف انگیز مادر وطن عزیز خود را بشنوید؟ آیا چشم بینا ندارید که به بینید چه گونه دستهای خارجه در کار است؟ آیا عاقبت را اندیشه نمیکند که ملتفت حال اولاد و اعقاب و آیندگان خود باشید؟ آیا نام نیک را طالب نیستید که در استخلاص وطن کوشش نمایید؟ آیا نفرین و لعنتهای آیندگان خود را واهمه ندارید که دوره شما ها دوره اقراض دولت بشمار آید؟ رحمی بحال خود و آیندگان نمائید. نظری بحجاب قفقاز دهند بینگنید، از خواب غفلت بیدار شوید از مشی نادانی هشیار گردید، و از مساجد و معابد و استقلال و دین و عرت و شرف و مایت و قومیت خود دفاع کنید.

### التكافل والتضامن

تمام علما و عرفای عالم اتفاق دارند بر اینکه خداوند احدیت بی نوع انسان را مدنی بالطبع خلق فرموده یعنی نوع انسان بر حسب خلقت طبعیه محبول و مجبور است که باید در شهرها و قصبا و دهات دور همدیگر جمع شده و گذران و تعین نمایند بخلاف سایر انواع حیوانات که بدون اجتماع می توانند تعیش کنند، و حکمت این خلقت (والله اعلم) ظاهراً اینست که احتیاجات نوع انسان در تعیش زیاده از آلتست که خود بشخصیه یا باعانت یکنفر و دوتفر دیگر رفع نموده باشد، احتیاجات انسان خارج از حد و عد است و شمار می آید و خود انسان اگرچه بسیار قوی و دانا باشد از عمده رفع یک احتیاج خویش نمیتواند

تأسیس نشده که فوائد اتحاد را ندانند و لزوم آنرا امروزه واجب نشمرند، بلکه این فرق نمایندهای علم و معرفت و سیاست ایرانند و در اسلام برستی و وطن خواهی و اصلاح جوئی و خیر طلی و عمل بمقتضای عصر نمودن پیشوایان ایرانیانند، اختلاف مساک را موجب عدم اتحاد و اتفاق نتوان شمرد خاصه نسبت باین دانشمندان غیور با معرفت باعیرت، بعد از انقلاب عثمانی و ره اتی جستن از جنگال استبداد و مظفریت جمیت اتحاد و ترقی رؤسای جمیت و دو فرقه شدند و هر کدام مسلکی را از رای خود معین نمودند، خیرخواهان نوع و اصلاح طلبان حقیقی دور هم جمع شده و این تفرقه و اختلاف مسلک را در این حال صلاح بدیدند و مرکز را باز یکی کردند و اختلاف را از میان برداشتند و رفع این خلاف کراراً اثر خود را بخشید خاصه در قضیه ۳۱ مارث و رؤسای احرار و پیشوایان جمیت اتحاد و ترقی در بطرفهای خود زبان تفرقه و لزوم اجتماع را مدال ساختند و موافق شدند، این است که قطعاتی از مرکز بر تمام فرق حکم فرما است، و (باقتوتاز) امنة اطریس و یونان موفق شدند مگر بوسیله اتحاد مرکز، (گریت) را باین حال نکه نداشته مگر اتحاد مرکز والا رفته بود و فعلاً از مستملکات یونان شمردم میشد و بالاخره تمام فوائد و نمرات که دولت عثمانی از این انقلاب مقدس بود هانا سبب اتحاد مرکز و تمرکز قوای ملت بود، ایران جوان اگرچه دارای قشون نظامی نیست.

ولی قوای ملت در حال اجتماع و یک مرکز داشتن کمتر از قوه نظامی نیست. بی هرار قوه نظامی توانائی مقابله با قوه جامعه ملت ندارد و دولت قوه جمیت ترقی و اتحاد از ملت است، در قضیه (۳۱ مارث) دو ثلث فاتحین از ملت بودند. این ها را که جمع نمود، اتحاد مرکز و تمرکز قوای ملت و هکذا سایر دول، احرار (پورتغال) بمظرفیت عودت نکردند مگر بجهت اتحاد مرکز و تمرکز قوای ملت، احرار (روس) بمقصد خود موفق نشدند بجهت عدم اتحاد مرکز و تفرقه قوای ملت، و احرار ایران هم امروز نتوانند استقلال خود را حفظ کرد و دست خیانت کارانه اعیار را قطع نمود و از دسایس و گربه رقاصدن خارجه نتواند ایمن



برآید ، پس از برای رفع احتیاج های بشمار دیگر کارکنان بشمار لازم است که هر کس يك حاجت نوع را رفع نموده و باهم مبادله نمایند تا در این ضمن رفع تمام احتیاجات همه افراد نوع صورت گیرد و همه در سایه کار کفی همدیگر راحت زیست نمایند ، یکی زراعت کند ، یعنی آب یاری کند ، دیگری آبیاری نماید ، دیگری میزبیاورد ، دیگری خبازی کند ، دیگری بنه بکارد ، دیگری حلاجی کند ، دیگری برسد ، دیگری بباغد ، دیگری تجارت کند ، دیگری زاری نماید یکی آجر بسازد ، دیگری بزد ، دیگر حمل نقل کند ، دیگری بنا باشد ، دیگری گنج یابد ، دیگری کل کاری کند ، تا در سایه این همه زحمت کشان تمام نوع راحت مان بخورند و رخت بپوشند و در منزل به نشینند و استراحت نمایند ، و بر این قیاس است سایر کارها و صنعتها که هر روز طرف امتلاهی اسان است و رفع میشود .

اگر با این همه احتیاجات نوع انسان بالطبع مایل اجتماع و تمدن نمی شد و مثل سایر حیوانات دور از هم دیگری شست در بحر کبیر احتیاجات طبیعی صرفی و محومی شد و نسل انسان از روی عالم برچیده میگردد ، پس اسان را غیر از تکالیف شرعیه تکالیف طبیعی هم هست ، که به تصدیق شریعت هر کس آن تکلیف را حاصل نباشد از انسانیت خارج است چنانکه هر کس بتکالیف شرعیه عمل نکند از اسلامیت خارج است ، و یکی از تکالیف طبیعی اسانیت و عمده آنها که شریعت مقدسه اسلامیت هم تصدیق و جوب او را فرموده تکافل و تضامن بعبادت ساده کار کفی و خدمت بر نوع است ، و این عبادتی است شرعی و طبیعی و صرفی که هر کس سر از این عبادت به بچد و تنبلی و تن بروری و شک پرستی را شیعه خود سازد از نوع انسان خارج و وجودش چیزی است مهمل ، چون گربه چشم در دست دیگران و منتظر قاییدن لقمه و لیسیدن دیک شورباست بدون عوض و بدل ، و گدای واقعی طبیعی ایانند و زیست کردن و گذران نمودن اینان مصداق سؤالیست که حرام شرعی است ،

از حکمی برسیدند که پست ترین و بی غیرترین نوع انسان کدام است ، گفت آن کسیکه از سایه ریح دست امثال و اقربان بخود زندگانی میکند ، میخورد می پوشد

و استراحت میکند و در مقابل هیچگونه خدمتی از او جهت راحت نوع خود ظاهر نمیشود ، و بیست تر از این مابقیه طبقه ایست که قطع نظر از مهملی او که بارگران دوش دیگران است ، در خدمات دیگران هم احداث اشکالات میکند و خدمتکاران نوع را از کار و خدمت باز میدارد ، و در هر جمعیت و ملتی که این دو طبقه یعنی طبقه بیکاران و طبقه ممانعت کاران کثرت داشته باشد آن جمعیت و ملت امداً روی ترقی نخواهند دید و لذت تمدن را نخواهند چشید ، و هر ملتی که ترقی کرده ، اول جاره بیکاری و مفت خواری و ممانعت کاری را نموده و تمام افراد ملت را بکار باز داشته اند انکاه که از کثرت اشتغال احدی را بحال لغوگون و لهو کردی و افساد نماید مندرجاً بمدارج طالبه تمدن ترقی نموده اند ، پس ملت ایران ملادام ~~که~~ طبقه بیکاران مالدارانث و با خوران شکم پرستان ممانعت کاران در میان ایشان کثرت و وفرت دارد که از سایه و تخمین زراعت و فلاح و صنعت و تجارت گذران کرده ، و بشکراهه این عزیز بختی واسطه تاسیس مکتبی و مریضخانه و کتاب خانه و بنای مسجدی و یل و اتفای و تعلیم انسانی خدمت بنوع خود نمیکند ، و بلکه اظهار سری و سروری بر امثال خود میکنند ، حال ملت بچاره ایران همین است ~~که~~ می بینم روی ترقی نخواهیم دید و این طبقه در دفتر خانه طبیعت لوث وجود و لکه هبت نوع انسان شمرده میشوند ، حق دخول بر مجامع نوع ندارند ، وجودشان ننگ است و حقشان طاره و الموت اولی من ثبوت العار . قانون طبیعی جمعیتها اینست که باید تمام افراد جمعیت مشغول خدمت باشند تا امور تمام افراد بسهولت بگذرد ، بدیهی است اگر صد من بار گندم و صد نفر متحمل باشند و هر یکی یکمن بر دارد این بار بسهولت بدون تعب بمنزل میرسد ، بخلاف اینکه نود نفر از تحمل بار امتناع داشته و همه را بار کردن ده نفر نمایند البته بار بمنزل نمیرسد و همگی گرسنه می مانند ، هوار کردن کوه هالایا باطانت جمعیت امری است سهل ، لکن برداشتن يك سنگی از او بافرد شخصی محال است ( هم الرجال قلع الحیال ) پس قانون طبیعی تکافل و تضامن ملادام

که در جمعیتی جریان طیبی پیدا نکند آن جمعیت را باوج ترقی راهی نباشد

﴿ آه من الجبل و افراطه ﴾

( احرق قلبی بحراراته )

نقطه دایره تمام تکالیف شرعیة اسلامیة از عبادات گرفته الی دیات عبارت است از حفظ بیضة اسلام، زیرا که اگر بیضة مقدسه اسلام محفوظ نباشد مقصود نیست که مسلم و عامل به احکام اسلامی وجود داشته باشد، و حفظ بیضة اسلام بر حسب قرارداد شارع مقدس اولین وظیفه تمام افراد ملت اسلامیة است (کل بحسبه) و حفظ بیضة اسلام متوقف بر دو اصل اصیل است، یکی دستگاه ققاعت که تکلیف مسلمانان را باستاد کتاب و سنت معین نماید و شکوک و شبهات اجاب و با دله صحیحه عقلیه و جسمیه مرفوع دارد، و دیگری دستگاه سلطنت که مسلمانان و اراضی اسلام را از هجوم کفار بر حسب اقتضات وقت و زمان احیاء و سیاست نماید، و این دو اصل اصیل کایه ما متوقف علیه حفظ بیضة اسلامیة است، و این دو اصل چنان بهم توأمند که هیچکدام از دیگری مستغنی نیست و هیچکدام بدون دیگری در حفظ بیضة اسلام اثری نمی بخشد. ققاعت بی سلطنت را ساقی نیست و سلطنت بی ققاعت را سوا می نه، از انا الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و از انا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس

اگرچه در بدو اسلام این دو قوه در یک موضوع بودند و در زمان ظهور دوات حقه نیز در یک موضوع خواهند بود لیکن بر حسب رخی وقایع تاریخیة اسلامی چون پای معصوم در میان نیست از همدیگر تفریق یافته اند، و لیکن در حفظ بیضة اسلام اتحاد مقصد دارد هر چند که مسلك هر کدام غیر از مسلك دیگری است، و ما به الاشتراکشان حفظ بیضة اسلام و ما به الافتراقشان مسالکشان است، و هر یک از این قوه محدود است بجدی که تجاوز از آن حد از برای هیچ کدام جایز نیست، و لیکن هر دو در دایره محدود خود باید رو به نقطه دایره که حفظ بیضة اسلام است حرکت نماید بخوی که از دو حرکت يك خط احداث شود و از دو زبان قلم يك رقم نوشته آید و از دو مقدمه يك نتیجه حاصل شود و اگر این دو قوه بخلاف معروض

حرکت نماید حاصل حرکت شان همان خواهد بود که از برای سبب مذبذبت اسلام و اراضی آنها حاصل شده و این معنی را ملت نجیبه غنایه تا یکدرجه بخوبی رعایت کرده اند، وجه قدر خوب است که سایر دول اسلامیة نیز بر این معنی التفات نمایند تاریخ شان بهر و سعی شان بهوا نرود،

آه آتش سوز، آتش سوز، حریق، حریق، بانقون وار بانقون وار،

( دل آتش سینه آتش آه عالم سوز دل آتش )

( بیرون آتش درون آتش سرا با دور و بر آتش )

( لباس آتش تن آتش خانمان آتش گگر آتش )

( سمندروار ملت بین چه چون افتاده در آتش )

بآب چشم کدام یکی را خاموش کنیم بکدام

درد بنالیم خیلی درد هاست که نمیشود گفت بسا

حرفهاست که نمیشود زده ایرادات محیب، این ملت

عبوره این ملت عالم، این ملت همه چیز، بواسطه اختلافی

که از دسایس کفار پشت نمود، نه از برای مة ام

منبع ققاعت و قر گذاردند و نه از برای دستگاه رفیع

سلطنت عظم گذاشتند، بلکه همت کردند و غیرت

نمودند پشت با دنیا و آخرتشان زده و آلت اجرایی

مقاصد کفار شدند، خود را خنجرشدر ساختند و بی

بیضة مقدسه اسلام را درهم شکستند، قل هل ایتکم

بالاخرین اعمالا الذین ضل سعیدهم فی الحیوة الدنیا و

هم بحسبون أنهم یحسنون صنعا اوائک الی اخره) جمعی

از راه بی دینی به ساحت منیمة ققاعت صدمه زدند

و گروهی از رانانادانی بشان سلطنت اسلامی برخوردند،

و حال آنکه تعظیم این دو اصل اصیل که قوه

حفظ بیضة اسلام متوقف بوجود آنان است بر

تمام افراد مسلمین از اوجب واجبات است

﴿ نقل از روزنامه شریفه استقلال ایران ﴾

( منطبه طهران )

( نیل با آزادی خیلی زحمت دارد )

اقوام عالم برای چه این همه زحمات را متحمل

شده اند ؟ برای نیل بمقام منیع آزادی.

آزادی دارای چه محنائی است؛ اثبات آدمیت

و خلاص شدن از عالم بر ربیت صورت آدمی وقتی

اثبات وجود میکند که دارای سیرت آدمیت باشد،

سیرت آدمیت چیست ؟ همان فرمایشی است که

حضرت سید شهادت روز عاشورا فرمودند

القتل اولی من نکوب الصلار

يك آدم در مقابل مليونها آدم صورت مقابله می کند

يك آدم دو مقابل تهاجم مليونها معاند نمی ترسد  
يك آدم حملات مليونها و حتی را با تدابیر مدافعه می کند

يك آدم از حیات خود برای حیات دیگران صرف نظر میکند

از ابتدای تاریخ دنیا تا امروز حق مغلوب نشده، غلبه باطل همیشه موقتی بوده است، هر باطلی که با حق قدری معروج بوده امتداد پیدا کرده، انبیاء برای کله حقه از حیات خود صرف نظر فرموده، و برای اجرای کلمات حقه خوش خود شائب را نثار نموده اند، دانشمندان قوم برای اثبات مقالات حقه جانها کف دست گذاشته و وظیفه آدمیت خود را ایفا نموده اند

عالم اسلامیت باید پیروی از مقتدایان خود نماید، پسر امیر المؤمنین علیه السلام با هفتاد و دو نفر در مقابل اقل روایت سی هزار نفر معاند مجاهدت فرموده با خون گلوی مبارکش حصار آمیزین باطراف عالم اسلامیت بنا فرموده، ایرانیان که سی کرور نفوسند اگر آمدند، اگر مسلمانند، انسانند، نباید از قشون تمام عالم بترسند، باید با يك جنبش غیورانه قشون روس را از ایران خارج بکنند، تا انگلیسانهم بخیمالات واهی نیفتند، روس وانگلیس بر فرض يك کرور قشون هم بایران بیاورند باید ایرانیان اصیل سینه خود را سپر نموده و استقلال خودشانرا حفظ بکنند، واقفان خیلی جای افسوس است که ایرانیان تا امروز ساکت نشسته اند، بلکه اف بر این ابرابگری، تف بر این دیانت که قشون اجنبی در خانه آنها نشسته و آنها با نهایت بی ناموسی جنگ خاسکی را شروع میکنند به نزاع داخلی مشغول میشوند

این اشخاص، میکروپ های مضره عالم انسانیت بزید این معاویه عالم اسلامیتند

برای هر ایرانی ننگ است، برای هر آدم عار است، گار سگ است که در سرلاشه از ترس اینکه مبدا عابرین سیل او را از کف او بر بایند معارضه میکنند نه آدم، باری از مطلب دور تویم، امروز اگر ایرانی آدم است، اگر ایرانی انسان است، باید اهل و ادنی صغیر و کبیر اناث و ذمکور

یکدل و يك جهت دست اتحاد يك ديگر داده برای حفظ استقلال وطن از هیچ چیز مضایقه نه نمایند، باید دید که چگونه حضرت امام حسین علیه السلام اول مجاهد عالم انسانیت و اسلامیت طفل صغیر خود را چگونه فدا فرموده، ما هم باید برای مجاهدت عالم انسانیت و اسلامیت ناسی بآن بزرگوار نموده با يك صدای متفق که عالم را بحرکت بیاوریم بگوئیم

ما آدمیم - ما گوسفند نیستیم، که هر کس طرا چون گله جلو انداخته از گوشت و پنم ما خانه خود را آباد بکند و ریخته شدن خون ما از بساب فراهم شدن عیش او باشد

بوجود اشیاء قسم وقتی که انسان فکر می کند نزدیک است دیوانه بشود امروز روز مخالفت نیست، امروز روز ضدیت نیست، امروز روز مبارزه نیست، امروز روز انتریک نیست امروز روز دویت نیست ( افسوس از این عمر گرانباه که بگذشت )

( ما از سر تقصیر و خطا در نگذشتیم )  
امروز باید سرورم افراد ایرانی چنانچه عرض شد دست یگاسگی هم داده اول ضد اقدام دولت همسایه بروست های سخت نموده متینک ها داده اجتهامات کرده فکری نموده دست رد به سینه اجنبی بزیم، بیگانه را از خانه خودمان دور بکنیم، دعوی خاسکی باند برای روز دیگر، آخر ما مسلمانها از زنه های ترسوال هم باید بست تر باشیم؟ چیزی که برای العین از حیوان دیده شده افلا از ما ایرانیها هم سر بزید باز ضروری ندارد

در کوه های یکی از بیلاقات ایران در موقع سباحت دیده شد که در یکی از شب ها گرگی به کره حمله برده و چنگال ظصبانه خود را در گردن آن بچه حیوان بی جاره محکم نموده بنا کرد او را کشیدن و بردن، صدای ناله آن بچه حیوان بگوش مادیانها و گاوها رسید، همه یکدفعه سراسیمه و وبطرف گرگ و هر یکی با آهنک مخصوص خود فریاد کنان دویدند، گرگ این اجتهام را دیده کرده را رها کرد و فرار نمود

نمیدانیم دماغ ما معیوب شده، حسن ما مرده، حسن حیوانیت را هم نداریم، ما اگر حسن حیوانیت را میداشتیم خودمانرا از چنگال بیگانگان خلاص میکردیم

خواب آلودگان وادی  
 اور، قدری بهوش آید، قدری  
 ما اگر امروز استقلال خودمان را  
 نتوانیم حفظ کنیم کی باید کار بکنیم، کی باید مجاهدت  
 بکنیم، کشتی استقلال ما در چهار موج درباری پلنگ  
 روس و انگلیس در شرف عرق شدن است  
 تا استقلال داریم امیریم، وزیریم، وکیلیم، رئیسیم،  
 اگر به استقلال ما خدای ناکرده مخاطراتی رویی  
 دهد ما را نمیگذارد حالی هم بکنیم، به بیند ملت  
 قرانه با آت همه حملات حق شکنانه روس  
 انگلیس اطربش آلمان ابطالی چگونه کشتی استقلال  
 خود را از آت مخاطرات پلنگی نجات دادند  
 حملات ارتجاعکارانه ارتجاعیون داخله آنها از حملات  
 ارتجاعیون داخله ما سحت تر بود. امروزه جمع بشویم  
 يك هیئت دیپلوماسی از میان خودمان از رویی  
 صحت و لیاقت انتخاب بکنیم و کار بکنیم زحمت بکشیم  
 آزادی باین آسانی دست نمی آید گنج رایگان که بدست  
 آمده مفت از دست بدهیم، باید دیپلومانها . . . .  
 بنامی که یکدفعه خبردار بشویم هیچ چیز نداریم  
 والله بالله تالله هیچکس دانش مجال شما ها نمی  
 سوزد. هر کس بخمال خودش است

ای ملت خودتان باید بدردی درمان خودتان  
 چاره بکنید، کنفرانس بدهید، پلتیک بدهید، به پارلمان  
 های عالم تلگراف بکنید، اتحاد اسلام را بگانه وسیله  
 نجات بداید. امروزه ائتلاف آلمان بهترین راه نجاتی  
 است که دامن محبت باز کرده عالم اسلامیت را بنام  
 می دهند باید پلتیک ایران را پلتیک بین الدول نمود  
 که جنگال روس و انگلیس از بودن قلب ما  
 عاجز بشود. باز ما صدای بلند میگوئیم. پاینده باد  
 اتحاد اسلام. زنده باد امپراطور آلمان

( تلگراف انجمن ولایی اصفهان )  
 به دارالشورای ملی

در موفی که کشتی استقلال یکمشت شیعه سلمان  
 و مملکت شش هزار ساله ایران در گرداب هلاک و  
 اضمحلال افتاد. سوء عادات استبداد و رسوم نقیمه  
 ظم و بیداد عناصر این جسم نحیف را علیل و  
 ضعیف و قوای ملیه بکلی از میان رفته قانین  
 دولت می کرور نفوس را که ودایع الهیه هستند

بصوب ناصواب فنا و زوال سوق می نمودند جوی  
 بقوت وحشیت و استبداد ساکنین این آب و خاک  
 را در حکم عباد و اماء خود دانسته معامله مالکیت  
 و مولویت میکردند تفضلات خداوندی و توحشیات  
 امام عصر عجل الله فرجه شامل حال ایشان گردیده  
 بدون اسباب ظاهریه حسن ملیت و حسن اسلامیت  
 علماء و عقلاء و احرار قوم ظاهر و بمصدق  
 ( فاعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا ) بیک هيجان  
 حریت خواهانه و جنبش وطن پرورانه بمطالبه حقوق  
 ملیه مقصود قیام و سد های آهین را بحریان  
 جویهای خون شهداء وطن از بسخ و بنیان منهدم  
 و ایران ویران را به متحد و سلطنت مستبده را  
 بمشروطیت و تمدن آماد و از خطر طوفان حوادث  
 زورق شکسته ملت را بساحل نجات کشایدند هر سنگ  
 سدید مستحکمی که در راه سبیل ترقی وسنادت وود  
 بهمت عبور راه بزرگان و قدرت مایت سرداران  
 بزرگ ایران از شماراه سلامت برداشتند در هر قوم  
 دیده های عبرت بین بمساعدتهای کامله و عنایتهای  
 غیر مترقبه العالی الهیه را مشاهده نمود که عقول  
 طالبان قرین حیرت گردید و مصداق ( الاسلام یعلموا  
 ولا یعلم علیهم ) شد .

افسوس که چندی است بر خلاف انتظار  
 روز بروز تراکم حوادث و تهاجم شدائد بر  
 این ملت تازه بیدار و رنجور بی برستار آئینه  
 روزگار را باریک و راه سعادت را بغایت تاریک  
 و انواع خطر ویم را باستقلال استقبال خود نزدیک  
 می بندد در مشروطیت سابقه غالب مفاسد و تاخیر  
 اجرای مقاصد را بضدیت قوه مجریه و نفرت طباع  
 استبدادیه مدلل داشته موانع داخلیه را سد راه  
 ترقی دانسته بودند، این دوره که تمام قواء در نحت  
 قدرت و قوت ملت است مانع اقتدار را بنظر  
 دقت نیز از تصور اولیاء امور در اداء وظایف  
 مسؤولیت مشهود نمی دارند و بجز نور بعضی  
 اغراض و فتور بمقام اتحاد و اتقاف در سلوک بگانه  
 مسلك مستقیم حفظ استقلال و حسن استقبال منظور  
 نمیشود هر کس را جائز به مقامات رفیعه وزارت  
 و مسؤولیت و متقلد بجلال امور مملکت می بنیم،  
 غالب اوقات شریف که باید صرف اصلاحات امور

عامه و تنظیم ادارات و قشون و غیره شده خاک  
 ومان را از قیام بیگانگان و دوام اشغال فاصیانه  
 همسایگان یاک نمایند امنیت و رفاهیت بلاد و عبادرا  
 نقطه نظر و مرکوز خاطر دارند و سد راه بهانه  
 جوت اجانب نماید اجار مصروف در مدافعه مقام  
 و منصب مینمایند، بحرات متوالیه کابینه و تغییرات  
 هر روزه وزارتخانه مجال رسیدگی بحال ملک وملت  
 باقی نگذارده تا کمال ضراعت از ساحت مقدس  
 وکلاء ملت ( که طرف توجه سی کرور نفوس  
 مظلوم مقبول محبوب ستمدیده هستند ) تنها می‌باشیم  
 که بعین عنایت جنم تمام امراء ملت مظلوم را با  
 تهاوت حمسرت بطرف خودشان نگران بنید و چاره  
 دردهای بیدرمان ایشان نماید، نمایندگان ملت اصفهان  
 بایک صدای الم فزای عالم فرسا طلب اتحاد و اتعاق  
 اولیاء امور و جاب شخص شاخص معظم والاحضرت  
 نایب الساطنه عالم عاقل را که دست طبیعت برایش  
 علاج برالاعه مریض مملکت دو خزینه ملت  
 ذخیره نموده بود مینمایم با اختیاراتیکه ملت آن  
 ذوات محترمه داده مقتضی میدانیم طریق صلاح را  
 جز بآراء صاحبه خیر خواهان امیدوار باشیم در  
 وظائف خود اقدام فرمائید ( و کان حقاً علینا  
 نصر المؤمنین ) انجمن ولایتی اصفهان

نقل از روزنامه شریفه برق

( منظمه طهران )

( قابل توجه عموم )

( مکتوب آقای امیراعظم )

خدمت جریده فریده برق زید عمره در روزنامه  
 مجلس عبارت سوء تدبیر و جلافتی در طی مقاله  
 راجع بارتجاع اردو و رحانه نسبت باین خادم ملت  
 نوشته شده بود که بحکم ضرورت خودرا دفاع میکنم  
 اولاً شخص شخص جنابصالی بنده را خوب  
 می‌شناسید که در صراط حریت پرستی وقتی مشی  
 میکردم فقط باموریت وجدان خود نه گوسفندوار  
 برای تأسی بهمقطار و همسایه علی رؤس الاشهاد جداً  
 آزادی نوع خودرا میخواستم که از این مسالک  
 مختلفه معتدلاً و منقلباً هیچ اثری نبود و هرکس  
 ذره خودرا از جاپلوسی و بت پرستی دور میخواست  
 بار سفر اردیش بسته یا بکمر از کوی خرابات  
 یا بجاهان که میدانید میبردندش و اگر راست گفته

باشم از جنس امراء و شاعرانگان بلکه کلیه طبقه  
 اشراقی -

کس در آن سلسله غیر ازمن و دل بند نبود

یک گرفتار از این جمله هستد نبود

بالجمله با عدم احتیاج و داشتن قوت لایموت  
 در صورتیکه عقل هم انسان را در اینوقع منقلب  
 و استحالات مملکتی از تصدی هرخدمتی منع میکند  
 همیشه در این چند سال داو طلبانه سروکف دست  
 در سرحدات و مرکز مهیا امکان خدمت کرده و  
 در بقای شرافت و امتیاز خود که مجبورند در ساق  
 استقلال این مملکت زیست کنند کوشیده ام منق هم  
 بر کسی ندارم، زیرا آن بچارها نازیگر لال اجابنده  
 که اگر کسی دندان برای این مملکت تیز کرده باشد  
 طاشق حال ماها نیست نه خدای نخواسته پس از  
 تصرف باز بیده فرمانفرمای استرآباد و مصافات. عمرو  
 را والی خراسان زید را رئیس اوزراء کنند، بلکه  
 این فضا را برای شوو نهایی کوچ نشینان، مهاجرین  
 خود بخواهند، و برای اداره کردن ماها دکالی های  
 خود آندر اوفسکی وزرد و دوك و برون دارند که  
 باها جز حالی و ناوه کندی کاری رجوع نخواهند  
 کرده، آنهم در صورت داشتن قوه و بیه و نداشتن  
 غدههای نرسی و عرق النساء و غیره است، پس باید  
 قدری تأمل کنیم و این که های ضراعت کرده را  
 که پس از هزار سال کبر و مبودیت میخواهیم  
 قدری زحمت بدهیم و امتداد تفکر آنها را از صفحه  
 شطرح و ساحت نمخته برد با ملاحظه صورت وجه  
 تصدق های تقدیمی بطرف کار مملکتی معطوف داریم  
 و در این تنگ کلاغ بر دو زمره مردمان بزرگ  
 تاریخی دنیا هم بشمار آئیم، خوبست افلا نامم راه  
 برویم و آمادی خود را در خراب دیگران ندانیم  
 و بهمان چیزی که از تصدق سر اشلابات از قبول  
 عامه و شهرتهای غلط جا رسیده قانع باشیم قدرت  
 باقی را دیگر کنار بگذاریم و از امتداد و دولت  
 برای این مخلوق بچاره باسامی مختلفه و بهانه های  
 رنگارنگ شوهر نزنایم

بر سایرین مشتبه نیست و نزد خودمان هم  
 جای تردید نمیشد که ماها طی هیچ مقام علمی را  
 نکرده مدرسه ندیده و به تربیتی زندگی نکرده که  
 که نمیتوانیم دعوی ( هم و تا ) بی بکنیم و اسم

خود را ناجی ملت بگذاریم، بلکه باید این مملکت را در سایه دور اجانب بحال خود بگذاریم دفاع شود تا آن دسته آدمی که باید کارها را اداره کنند یتر برسند و با بزهاند که داشتن گاو و گوسفند بسیار و يك كرور قرض یا سن زیاد و موی سبید در این قرن تمدن که هر چیز را باید فقط بهای علم و صنعت برای این آب و خاک خریده قوه در شخص تولید میکند که بتواند مملکت نجات دهد یا ملتی را بحیثیات شخصی خود بفروشد

چون این تصورات استدلالاً بر بنده ثابت و برای خدمات خودم موانع بسیار میدیدم پس از استعفاء و انفصال از حوزه خدمت خود مصمم شدم که بفرنگستان و بروکسل رفته در استقبوری اعاده تحصیلات خود بکنم و همین خیال از شامروود طهران آمدم و بطوری در این مسافرت تصمیم داشتم که بخانه شخص خودم رحل اقامت بینداختم و در منزل حضرت علاء الدوله بسمی بردم تا موجبات حرکتی فراهم شود - در این ضمن داستان هب و غارت اموال و املاك آقايي علاء الدوله و حضرتین مشیرالدوله و مؤمن الملک و صفار مرحوم سپهسالار در مازندان و حرکت رشیدالسلطان واحد خان میرشکار و حمیدخان برادر کرخان و مرادخان ایلیچی و غیره به طهران بقول خودشان برای تصفیه امور و . . . . . طلوع کرد. و باوجود آنکه این مسئله بسیار لازم و خیال مبارکی بود نمیدانم بچه ملاحظه هیئت وزراء و وکلاء از این خیرخواهی و معاونت حضرات احتراز کردند و اصرار فرمودند که بنده روم و مشارالیه را از این حرکت مای نحوکان منصرف دارم. و بنده چون امروز خود را برای العین میدیدم اثر قبول این خدمت بسیار تخاصی کردم و محذورات خود را کاملاً در هیئت وزراء و منزل حضرت سردار اسعد مکرر در مکرر اظهار داشتم. ولی از آنجا که ناساعتی لباس نوکری به براست انسان حکم کرد مطبخ را دارد. هم باید بیازخورد کند و هم سر ببرد. خواهی نخواهی قبول این خدمت را کردم ولی بیشتر بامید اصلاح بوده بلکه مصادمه نشود و اینکار بخوبی و خوشی بگذرد و همین جبهه هم در موجبات صحت اردو چندان دقتی نکردم و با آنکه میدانستم این عده قشون هم غیر مستوفی و

هم از مقتضیات سربازی بکلی بی بهره اند بطرف لاریجان با کمال طمأنینه رهسپار شدم

از منزل سرخ حصار حیدرخان سرکرده سوار هداوند را که جزو امنیه و از طشوائیت بارشیدالسلطان آشناست برای دعوت بمصالحات و مسالمت نزد آنها فرستادم و چون در سرعت حرکت اردو از مرکز تاکید میشد و مجبور به پیشرفتن بودم - سید احمد خان کردیچیه را هم هنوز حیدرخان مراجعت نکرده با مشروحه دیگری که منصلاً داعی صلح و رافع خرافات بود واردوی حضرات اعزام داشتم جواب کتبی هر دو فقره را بوزارت جنگ فرستاده ام

پس از آنهم آنها شرایط اصلاح را فقط به پیشنهاد حضرت سپهسالار و چهار نفر از . . . . . تعلق کردند. این کاندید روزی رسید که اردو از آب انجیرک بطرف دماوند حرکت میسکرد. و رود دماوند به پیش قراول اردو تنگ انداخته و تقسم در محاصره کردند و جنگ مشا شروع شد. و بدون اینکه تفصیلات جزء آرا متعرض شوم مختصراً عرض میکنم. که از دماوند تا يك فرسخی را اسب آنها را بیج شکست دادیم سه مجلس بهار گرم آنها که در سر بار بود نصب شد. عده مقتول جماعتی مجروح و مین است. از اسب و تنگ و کسارهای اردوشان هم چون بفرار میرفتند در هر مصادمه مقدار کمی بدست آمد. تا در جنگ علی آباد که با سنگرهای محکم مخافه و پیش بینی های چند روزه و داشتن هزار نفر جمعیت شکست بان فاحشی را خوردند و یکبار به آمل فرار کردند. شب را در علی آباد ماندیم و صبح که برای سهولت راه و توسعه آذوقه از راه نارسناتی اردو را حرکت دادیم. دیگر نشد جلو سوار و سرباز را بگیریم تا بطهران رسیدند. بنده و چراغ علی خان بختیاری و معدودی که از صاحب منصبان که باقی بودیم بهر ترتیب بود توپ و قورخانه دولت را تا باجبار رسانیدیم و تصور میکردیم که حرکت این سوار و سرباز تکیه يك نقشه محرمانه دارد که از مرکز کشیده شده است و الا اگر از سرما فرار کردند اولاً فصل سرمائی نیست که کسی را فرار دهد. سی صد رأس قاطر هم که برای این قشون لحاف و توشک و اثاثیه بار کرده بود و تاکنون در عهد هیچ وزارت جنگی اردو

باین خوبی از حبت مهبات و مصارف و اثاثیه نجیبز  
فشده بود که ابرادی بتوانند بکنند اگر از گرسنگی  
هزیمت اختار کردند اولاً بذات خدا دروغ میگویند  
همان شبی که صبحش از علی آباد کوچ کردیم دو  
خروار نان بخته و سه فرد گاو بزرگ در اردو کشته  
شد بعلاوه بیست من برنج خود بنده پلو بختم و برای  
قراولان توسط صاحب منصبهای آنها فرستادم،  
اگرچه قابله های پلورا صبح دست نخورده یافتند  
و معلوم شد صلاح ندانسته اند برای آنها بفرستند  
ولی بنده از وظیفه سرمازی خود قصور نکردم،  
سلمنا در علی آباد آدوقه نبود در تارستان که محل  
اقامت اردو و بلوک بآن معظمی بود چرا توقف  
نکرده، و این سرماز گرسنه سر ما زده بطور رومق  
داشت که یکسره بطهران بیاید، و آنکهی اگر در فرام  
داشتن آدوقه سرمازم قصور شده بنده که رئیس  
اردو بازار و تحویل دار اردو نبودم، آنکس که  
مسئول اینکار و تحویل دار و حوهای بود باید جواب  
بدهد، اگر از شدت تکالیف ندایی و جنگ فراری  
شده اند محذایمی واحد قسم همیشه این قشون نیم  
فرسخ و یک فرسخ از خط جنگ عقب بودند و خار  
بیای هیچ کدام آنها نرفته و پس از آن شب  
مشا که هرچه اسرار و التماس کردیم یکدسته پیش  
قراول برای گرفتن حکرده فرستیم ممکن نشد و  
صراحتاً جواب کردند دیگر ما بوسانه هیچ تکالیف  
بناها نشد و مثل یکدسته زوار با کمال فراغت خاطر  
مسافرت میکردند، شاهد این مقال عده تلات طبقات  
اردوست از بختباری که یکصد و کسری بودند، چهار  
نفر مقتواین شش نفر مجروح، ده اسب سقط شد، از  
اجزای شخصی بنده علی اکبر بیگ و مراد مقتول  
صفر و شبان و حسین مجروح و سه اسب سقط  
شده، از این هشتصد نهصد نفر مقتول کدام، و اسم  
مجروح چیست؟ نابتوان احتمال داد که اینان هم داخل  
خط جنگ شده اند

و اگر اراضی و تلال و جبال و طرق را بنده  
برای حرکت اردو خوب انتخاب نکرده بودم باید  
از آنها پرسید که تا بحال یک نقشه از داخله مملکت  
خود شایسته رسم نکرده اند و هادی و راههای  
اردوی دولتی باید مشهدی عبد القنی و آقا سید  
چینی چاروادار باشد . . . . .

حالا واقعاً جناب مدیر جز آنکه جساعت طالب  
افتضاح دولت در هر انحراف ظاهری و سکتیه حاصله  
از عدم معرفت قشون بشرافت سرمازی را صورت  
شکست اردوی دولت جلوه داده کابینا را مقصر میکنند  
چشم زخم اردو کدام و جلالت و سوء تدبیر بنده  
چه بوده است و لزوماً عرض میکنم که مکرر چه  
بتوسط حضرت علاءالدوله چه شفاهماً از حضرت  
وزارت جنگ و هیئت وزراء استدعا کرده ام که  
بنده را با این اردو محاکمه کنند و این مطالب باین  
بزرگی را که محبتیات دولت و ملت بر میبخورد  
بمداخه نگذارند مقصر را مجازات فرمایند، ابدأ  
انرا نکرده است و از بدیع تا انتهای ماهوری  
احساسات مردم در ماده بنده و این ماهوریت  
بفطرت رفته است که اگر رسماً محاکمه و استبضاح  
نشود بنده مجبورم توضیحات لازما را در گنهای و  
خدمت گذاری خود باطن امر از طرفی که میدانم  
داده از افکار عامه رفع اشتباه کنم  
خادم مات امیر اعظم

اطلاعات روز

از قراریمی که وکالت روز میفهمد بیانات  
ذیل، نقطه نظر رسمی ایران را در خصوص حالت  
حالی مسائل مالی و سیاسی مینمایند :-  
در باب استقراض راست است که ایران خیلی  
محتاج به پول است محض اینکه بتواند تمام امور را  
منظم نماید، بی پولی بر سختی کارهای که ملتی ها  
و قتی که زمام امور را بدست گرفته در پیش داشته خیلی  
افزود نه فقط لازم بود که ادارات دولتی را منظم  
نمایند بلکه واجب بود که مملکت را امن و منظم  
نمایند و برایی این مقصود لازم شد که چند  
اکسپریسیون بفرستند اول بر ضد رحیم خان بعد بر  
ضد بعضی از اشرا را دیگر و همچنین بر ضد داراب  
میرزا، همه میدانند که اکسپریسیونهای مذکوره بمقصد  
خود موفق و ظفر مند شدند، مشکل نیست تصور نمود  
که تهیه و فرستادن این اکسپریسیونها به نقاط مختلفه مملکت  
چه قدر اسباب ضرر خزانة دولتی را و خصوصاً دو  
موقعی که دولت آنقدر محتاج به پول بود و مالیات  
بواسطه اعتشاشات ایام (کودیتا) مرتباً وصول نمیشد  
فرام آورد در این موقع بود که دولت مشروطه ایران که  
از هرجه بمنون دول خارجه و خصوصاً دولت انگلیس

بود بواسطه حیات مساعدتی که از طرف آنها نسبت بشروطه طلبان ایران ظاهر شده بود و نیز چون یقین داشت که دولت انگلیس باتفاق روس آنچه ممکن است برای اصلاحات و ترقی ایران خواهد کرد و طوری همراهی خواهند کرد ایران بتواند حکومت خود را محکم واستقلال خود را حفظ نماید اشکالات مالی خود را بدولت اطهار نمود و دولتین تکلیف همراهی نمودند . پس از مدت مدیدی (دوماه و شش روز) چهارصد هزار لیره بطور قرض تکلیف نمودند با شروط زیاد پلنیکي صکه قبول آن بدیهی است برای دولت ایران غیر ممکن بود بعد از آنکه بکلی برخلاف انتظاراتیکه داشت امیدهایش این طور تبدیل بیأس شد ایران سعی نمود که از سرمایه داران انگلیس استقراض نماید و در دو مورد مذاکرات تقریباً با تمام رسید و در شرف دادن پول بودند ولی همراهی لازم معمولی که در این مواقع باید بشود از طرف وزارت خارجه انگلیس نشد . یک سال تمام باین قسم بدررفت تمام امیدها و مساعی دولت ایران دم آخ میل بیأس و بی حاصل ماند . باید فراموش کرد که دولت ایران اطمینان صریح داده بود که چهار صد هزار لیره صرف تشکیل ژاندرامی خواهد شد لهذا نمیتوان فهمید چرا در این صورت دولتین شرایط پلنیکي باین سختی برای مبلغ این مختصری گذاشته . بلاوه حتی در مذاکرات خود که بعد با سرمایه داران انگلیس نمودند دولت ایران قرار داده بود که قسمتی از وجه استقراض صرف حفظ امنیت و انتظام مملکت شود

حالا میرسیم بشرایطی که دولت روس برای احصار قشون خود گذاشته است . روس قشون خود را بایران فرستاد بضوان اینکه حفظ جان و مال خارجه ها را بکند ایران جان و مال خارجه را هیچ وقت در معرض خطر نمیداست چنانچه زمانه و اتفاقات صدق این مطلب را مدلل نمود . در این اواخر دولت روس اطهار نموده است که حضراست قشون خود را از ایران خارج کند اگر بعضی امتیازاتی که معین نموده است باو داده شود . از این معلوم میشود که برای حضور قشون روس در ایران جهانی غیر از آنچه ذکر شده بوده است .

امتیازاتی را که روس میخواهد از این قرار اند (۱) حق کشتی رانی در دریاچه ارومیه (۲) تجدید قرار نامه فزاقخانه با شرایط قدیم آن (۳) بعضی وعده ها در باب راه آهن سازی (۴) تجدید امتیاز معادن مس قراچه داغ (۵) اوتوموبیل وارد نمودن بدون گمرک و راه انداختن در راه های تبریز قزوین همدان رشت و طهران چون ایران هیچوقت حفاظت روس را دو فرستادن قشون به ایران قبول ننموده بود و برعکس متصل رشد آن پروتست نموده است طبیعی است که نمیتوانست و نمیتواند داخل مذاکره شرایط برای خارج شدن آنها بشود . احساسات اهل ایران در این مسئله بقدری قوی است که هیچ کابینه وزرانی حق مجلس هم نمیتواند رفتار خود را نسبت باقامت قشون روس تغییر بدهد و بطریق اولی نمیتواند چنین امتیازات مهمی را بدهد . تمام این مدت میل دوات ایران بر این بوده است که در میان اهل ایران احساسات دوستانه واطمینان نسبت بروس ایجاد نماید اگرچه انواع حرکات قشون روس و اتفاقاتی که مربوط بآن رونی داد و این کار دولت ایران را خیلی مشکل نمود ، ولی جوئ دولت ایران مایل بدوستی ومواقفت است تادرجه ملاحظات را کنسار گذاشته است که در اینمیشه خیلی ناریک مشکل هم سعی دارد با روس کنسار بیاید و لهذا رای داده است که در صورتی که دولت روس بعض تکالیف عادلانه درباب راه انداختن اوتوموبیلها که روسها بدون رضای دولت ایران داخل ایران نموده و مابین جلنا و تبریز راه انداخته اند ، بنماید کابینه وزرا آن تکالیف را قبول خواهد کرد موقوف بر اینکه مجلس هم تصویب نماید و چند شرط برای قبول نمودن تکالیف روس گذاشته یکی این است که محض اینکه دولت ایران آن تکالیف را قبول کرد روس تمام دستجات قشون خود را از تمام نقاط ایران ببرد محض بروز مزید دوستی ومیل بمواقفت دولت ایران نیز مصمم شده اند که پس از اینکه تمام دستجات قشون روس از تمام نقاط ایران خارج شدند مدت امتیاز معدن مس قراچه داغ را سه سال امتداد بدهند .

اما در باب تجارت وحالت جنوب ایران ، راست است که در جنوب اندک اغتشاش بوده ولی تاریخ



گذشته جنوب ایران نشان میدهد که آن سامان همیشه بواسطه منازعات و اختلافاتیکه ما بین ایلات و طوایف آنهاست اسباب زحمت بوده است دولت ایران اقدامات گامی در تشکیل مستعظمین برای راهها و در استقرار امنیت نموده اند. ولی باید دید آیا واقفاً اعتشاشی که مهم باشد در جنوب ایران روی داده است؟ آیا غیر از اینکه به یکطرف از اجزای بانک شاهنشاهی حمله کردند (و او را هم کارگزاران دولت ایران فوراً مستخلص نمودند) اتفاق دیگری روی داده است؟ میگویند اوضاع جنوب اسباب تنزل تجارت بوده دلیل از این ضعیف تر ممکن نبود پیاورند زیرا که حالت تجارت ضد این حرف را ثابت میکنند. بموجب استاتیسٹیکهای اخیر تجارت امسال تمام ایران صدی زاید بر ۲۵ اضافه شده است تجارت سه ایلات جنوبی صدی زاید بر ۸۶ بندرعباس صدی زاید بر ۱۵۰ بوشهر صدی ۲۲ عربستان صدی صد میگویند قسمت عمده اضافه تجارت عربستان بواسطه ماشریه است که پان لسط وارد کرده این علت است برای اینکه پان لسط مرحله وارد میکنند موافق شرط امتبار نامه خود بدون ادای حق گمرک وارد میکنند چیزی که خیلی باید جلب توجه را نماید این است که در حالیکه تجارت جنوب ترقی کرده است تجارت شمال ایران که قشون روس در آنجا است خیلی تنزل کرده است

ترجمه از روزنامه منچستر گاردن

(بیانات يك از واقفین)

بیانیکه در این چند روزه از طرف دولت انگلیس بمعاملات ایران در پارلمان شده ایرانیان و انگلیساییکه واقف بحقیقت امور ایرانند در حیرت انداخته و بطریق نمونه چند مسئله را بقرار دیل بیان می نمایم

(۱) ۲۲ نومبر در جواب مستردیلن وزیر خارجه بیان نمود « دولت روس اخراج قشون خود را میخواند ولی اوضاع ایران او را اجازه نمیدهد » چرا؟ همه کس میدانند که روس در این چهار پنج ماه اخیر بدولت ایران تکلیف میکنند که او حاضر است قشون خورا خارج نماید اگر ابراهیم برخی امتیازات باز بدهد، چنانچه غالب جرائد در این موضوع قریب باین عنوان نگاشتند « خواهشات

روس برای اخراج قشون خود سخت است » در این مورد دو بیان مختلف مورث تشویش اذهان نه تنها در ایران بلکه در سایر ممالک هم تواند گردید (۲) همان تاریخ سر اندود گری در پارلمان و

لاود هارسچل در مجلس ثنا از طرف دولت منباب استقراض چنین بیان نمودند « در متن واقع دولت انگلیس هیچوجه مخالفت در استقراض ایران نموده فقط سعی بوده است که آن استقراض زیان رسا نباشد بمتنفع انگلیس نباشد » اولاً این بیان مهم است، خصوصاً این جمله (اگر زیان رسا نباشد بمتنفع دولت انگلیس نباشد) باندازه وسیع است که صدمه بزرگ استقراض ایران که میخواند در این شهر حاصل میکند تواند زد، حالا ما تصور میکنیم که دولت ایران مصمم بود يك قرصه از صرافت های لندن حاصل کند بسود کی و بدهد به يك تجارتخانه انگلیس به قروضیکه با سود زیاد بود. آیا منصفانه است که بطریق غیر مستقیم دولت انگلیس مانع شود از چنین استقراضی بواسطه منافع آن تجارتخانه؟ این مسئله بتواتر رسیده است که بعد از مخارات چند ماهه دولت ایران دولتین روس و انگلیس حاضر شدند که ۴۰۰ هزار ایره ایران با آن شرایط بانکی قرض دهند که هیچ مملکت مستقلی تن قبول آن شرایط نمی توانست داد، پس از آنیکه ایران از همراهی دولتین مایوس گردید داخل در مذاکره با يك تجارتخانه و سپس با تجارتخانه دیگر انگلیسی شد و ضامنی هم که باین تجارتخانه ها داده میشد مربوط به مرهونات قروض سابقه دولت نبود، همینکه دیده شد گفتگوی استقراض کامل و نزدیک است ایران وجه حاصل کند به تجارتخانه اولیه انکار نماید و از تجارتخانه ثانوی حمایت خود مرتفع داشت، ولی نمایندگان دولت در بیانات خود به پارلمان چنین اطمینان داده اند که وزارت خارجه هیچگونه مخالفتی در استقراض ایران نه نموده، و حال آنکه ظاهراً است در اینگونه مواقع تصریح بعدم تأیید یا انکار از حسابت عین مخالفت است با وجودیکه بدولت انگلیس و صرافان اسکستان تصریح شده بود که وجوه استقراضی در امنیت جنوب صرف خواهد شد

(۳) در ۲۲ نومبر منباب واقفیکه دروظیفه شاه

معزول بجواب مستر دبلن سرادوردگری اظهار داشته که سلوک محصل سفارت مبنی به مراسم مروجۀ مملکت بوده . . خبلی برای ایرانیان مورت حیرت گردیده است ، و ما حز این تصور نتوانیم نمود که بوزارت خارجه انگلستان خبلی بد اطلاع داده شده است . چرا که به تمام هیجوقت این رسم در ایران جاری نبود ، لکه هیچ کس منتظر بیش آمد چنین اقدامی بدون ضرورت از سنارتین نبوده ، چنانچه این خبر را وکات روتر مدال داشته است که اقدامت سفارتین در این ماده برخلاف رسم و نزاکت بوده است (موتبار)

### مهران

اگر اوضاع سه ماهه این بلد خراب نوشته شود کتابی را در خور است آخر ماه سلیمان و گوینده لاله الا الله محمداً رسول الله هستیم از دین خارج نشده و ارتدادی نمود با الله بر ما راه نیافته در کدام کتاب و قانون و و است هر روزه خانه های مارا غارت عرض و ناموس مان بر باد رود . گذشته از مطالب چند نفر مفسدی کمتر از آنها تا کنون هیجده هزار تومان پول نقد از فقرا و ضغفاء بضر ب شکنجه دریافت نموده که از جمله هر خانه ده تومان و بست تومان و سی تومان و نود تومان و یکصد سی الی یکصد و پنجاه تومان دریافت و ماخوذ داشته است

آخر کجای انصاف است بعد از این همه خرابیها و گرفتن پول و هزار قسم بی ناموسی های دیگر باید يك محله موسوم به محله خراسانی ها را تماماً جیاول و غارت نموده بالغ بر شش هزار من هاشم ، گندم و جو و انانث الیبت و سایر اشیاء آنها را ببرند و چندین خانه را آتش بزنند و چه قدر ها نفوس بیگناه را هم از علویه و اطنال وضع را مقتول نمایند . آنچه بطور وثوق به تحقیق رسیده الان هشتاد و شش نفر را این منسدان ریاست طلب از خدا بخیر مقتول و مجروح نموده اند و بقول خود شان این ها هنوز اول بازی است و خیال ندارند نه امروز نه يك سال دیگر دست از سر فقراء و ضغفاء بکشند احدی جرئت ندارد در کوچه و معبر عام عبور نماید . که فوراً از همه جا بچران او را بانگ یکسان مینمایند

کسانی در خرابی ما گر بسته اند که بهتر

در بابی هم حساب نمی شوند ولی نتوانیم عاناً بگوئیم فلانی ها مارا میکشند و اموال مان را بظارت میبرند زیرا صاحب و سرپرست یا حکومت مقتدری نیست ، تمام این خرابیها از یکجا است . . . یعنی حضرات بختیاری در بدنام کردن شخص مهادر دیوان که ابا عن جداً در خدمت گذاری بمات و دولت حاضر بوده و دقیقه فروگذار نموده ، این اشخاص که شغلی و کاری بجز بزرگری نداشته بروی این شخص وا داشته که وی را رسوا و بدنام نمایند ،

در سینه گذشته هر محو بود حکومت مهران و کو کلوبه را از طرف اولیاء دولت و ملت حاصل نموده خود هم وزارت و همه چیز بودند . روز ورود به مهران معظم الیه را گرفته مجبوس داشته و همان روز بلا درنگ در خانه اش ریخته تولی هشتاد هزار و سی و یکصد هزار تومان اموال و اشیاء او را به نهب بردند . هر يك از اهالی مهران را به يك اسم و رسم هر روزه میگرفتند و جریبه میکردند اگر چه در سینه ماضیه مطالبات پشت کور را نگرفته ولی مالضاعف از کسبه و تجار و غیره دریافت داشتند احدی نیست فریاد ما فقراء و ضغفاء و بیچارگان مهران فک زده برسد ، آرزو بچه گنساء و بچه جبهه باید هر روزه ما گرفتار جنگ طالماء يك از خابرن باشیم.

### ندر لنکه

اول شهر ذیقعدہ جهاز (ادین) ما آقا بدر (خان بهادر) وارد لنکه شدند ، و جهازاتی که گرفته بودند آوردند ، پنج نفر هم که شیخ مذکور گرفته بود در جهاز آوردند ، ۲ شهر حال جمازی موسوم ( نمینو ) رسید و فوراً بطرف باسیدو حرکت نمود ، از قرار مسوع حکمران هم دو مراده توپ از جهاز هابونی برس پلیس در چارک پیاده نموده ، و با طرف مقابل در جواب و سؤال شد ، جمعی از چارک و مغز اطراف حکمران جمع شدند که هر گاه حرکت نمایند با ایشان باشند ، گویا محمد رضا خان پسر صولت الملک هم با سیصد نفر آمد .

از قراریکه از لارستان نوشته اند ، خورشید خان برادر حسین خان بهالو ( بنسارو ) و ( چوپم ) ( ده دمه ) و ( پید شیر ) را تصرف و در کمال استقلال نشسته است ، سد حاجی ما واسطه

نرسیدن مستمری خیال حرکت بطرف ( بیرم ) داشت ، بهوجب اخبار قاصد شیراز به لار عرب ها ( فسا ) را جایده اند ، ابتداء موشونی لنگه لسانالسلطان با بودن جهاز خراسان مبالغ بجزایر تومان دخال گمرک لنگه را فرستاده بود درجهاز فاکس . دوستانه بایشان اعلان نمودند ، هرگاه این وجها را در جهاز بگذارید روزی ده تومان حق میگیرند . فوراً فرستاده یابن آورده گویا درجهاز خراسان فرستاد شهر دیقده سه جهاز شرابی که جهاز ( ادین ) گرفته بود دو فروند آن از مال رعایای شیخ مذکور بود که جبراً گرفته بودند در بندر لنگه با يك نهایشی در دریا آتش زدند . و يك فروند دیگر که راجع بجهادی بود با اموال آب امروز جهاز ( ادین ) با آقا علی برادر خان بهادر بودند ، یکی از آن پنج نفر ( کمان نام ) که مدت ها گویا بیمار بوده فوت نمود آوردند در خشکی دهن نمودند ، جمیع لباس ناموشان دست و پا با اماناد توب و غیره را ياك میباید ، بالله سیرت . و حسب ارباب از مردم بکلی سلب شده آن دستگاه را شیخ احمد حمادی میدهند . آنهم محبت مقصود خود ( که جزیره شیخ باشد ) خرید اردن مهار امسا حرمی همه را بطمع انداخته ، بکثرت شیخ مدته را بخمال آبار احدادی انداخته که ساعاً این جزیره مال ما بوده ، بکثرت انگلیس ها که از سنه گذشته محض رقابت با کبابی آلمان مهار خرید می نمایند بطمع انداخته ، شیخ حمادی که حاشی معلوم است تا چه درجه مطیع اوامر همسایه میباشد یعنی اغلب مشایخ شیبکو همین حال را دارند ، هرگاه تدارکات طهران نشده بود در جزیره بیرق انگلیس بلند میشد ، حال هم قول صریح داده است ، جزیره ( سری ) همین قسم بدون بیرق و مامور مانده

• شهر دیقده از قرار خطوط بسیار چند نفر از طرف حکمران رفته بودند نزد حضرات ( وراوی ) و ( تراکه ) و ( اشکنان ) و ( کاوندی ) و ( کله داری ) در بین راه دوچار آدمهای ایشان می شوند زد و خوردی میکنند ، یکتن از باعیان کشته ، و يك اسب از مامورین حکمران هم کوله بر میدارد . از بازبهای حکومت جری تر شده اند ، از غفلت اوایای دولت و ملت خلیج

فارس که بعدة قلیلی در اندک زمانی ممکن بود منظم نمایند بدفع الوقت گذشت تا اینکه از شاله بدتر شده و می شود

بلی انسان ایجا مایوس میشود که فلان مامور تقذیش کارهای حکومت و اصلاح بعض کارها می گردد آهم بهوجب تحقیق عبدالله هزاراد دوتوله عطرعود و ۲۰ روپیه و چهار بیج دانه مروارید بار داده ، عبدالله کله داری هم تقریباً هفتاد روپیه داده مثل حاجی عبدالرحمن ، و حاجی احمد خاجا ، و غیره هم همین شکل ها البته باید مایوس شد ، تا زمان که رشوه و تعارف و عرض درکار است ابدأ امید ترقی داشته و مدارج ، هرچه خیال میکنم کار گذشته احدی صاب ، در فکر ترقی وطن و ثبات خود نیست . اره مایوس مانده مگر خداوند داری بکند اگر بخوام ولات و کس را در این بهادر و جزایر شرح دهم ر عده و بی آییم ، گویا شهر های مظهر زدن و سر است . مشت نشانه خروار است

• در تریف ایران چیست

امروز تریف ایرانی شش امر است

- (۱) سابق در حضرمه اسلام . اتحاد در مدافعه و سن ارمده و حب که تمام زبانهای ایرانی مترجم بت سعدی بوده و باهم دیگر دست اتحاد داده و بگویند
- (۲) یا که نوبت صلحت و دوستی و عنایت ( بشرط آنکه بگویم از آنچه رفته حکایت ) باهم اخوت خدا پسندانه را تجدید و در راه حفظ بینه اسلام طاباً لرضات الله تحصیل اتفاق و اتحاد نموده و عناوین اختلاف را از میان برداشته و در مدافعه از دین و وطن حاضر باشند
- (۳) زبان درازی و تعرضات بیجا را در حق بزرگان دین و مصادر امور مسلمین موقوف دارند علی الخصوص حراید مرکزی و خارجی که بفارسی طبع و اسباب توحش و تدش ساده لوحان ملت میشود محرورین خود را از درج بعض سوانح مفرضانه و نشر اکاذیب داخلشاناه تمناعت نماید . زیرا که امروز تمام قوای مدافعه از اجاب و محافظه بینه اسلام این ذوات محترمه هستند
- (۴) شروع بحرب اقتصادی است که عبارت باشد از

ترك استعمال امتة روس فقط که حسب الديانة الاسلاميه امروز واجب است . چنانکه از حضرات آیات الله م حکم حرمت او صادر شده، آفرین بردیانت بعضی از اهل آذربایجان و گیلان که قطع نظر از ترك استعمال امتة روس شها با شمع پیه و روغن زیت و کرچک ساخته و در صورت عدم ممکن از تحصیل اینها در تاریکی بسر میبردند و لامپها را در هم شکسته و چشم خود را از روشنائی نفت روسی بر بسته اند و مورد تحسین تمام عالم اسلام شده اند . چنانکه جراید ترکی زبان به تمجید ایشان گشوده و می ستایند

(۴) حاضر شدن از رایے اینکه اگر دولت همسایه جنوبی تعدی فاحش مثل تعدیات روسرا مباشرت نماید همین حرب اقتصادی ترك استعمال امتة انگریزی را هم هر چند که بسر و حرج بکشد مجری دارند. ولی چون قصاص قبل از جنایه در شریعت اسلام صورت جواز ندارد نباید حالا باین امر اقدام کرد تا تعدی از ایشان ظاهر گردد

(۵) ملت ایرانی باید تمام اولادهای خود را به تعلیم علوم باز داشته و امتثال از امر حضرت رسول اکرم (طلب العلم فریضة کل مسلم و مسلمة) عمود باشند (۶) قناعت بلوازم در معیشت و اعراض از تعجلات خلاف شرع اسرایی مثل بلور آلات و مبل و غیره. باین است تکلیف فعلی ملت ایران، اما تکلیف دولت و ادارات دولتی البته اویبای امور دولت بهتر میدانند اول بولست - دوم قوه جبریه - سوم امنیت داخله - چهارم محافظه حقوق از تعدیات خارجه - پنجم تعلیم اجباری اطفال - ششم اجرای قوانین عرفیه در تمام مملکت

### ▶ اخبارات خارجه ◀

بموجب فرمانیکه در یکن اشاعت شده سربازانهای بری و بحری چین باصول جدید تعمیر می شود . اصولی را که وزارت کنونی پیش گرفته مقدمه است برای سلطنت قانونی چین  
سفر ژاپون در انجمن ژاپونیان آلمان اظهار داشت که اتحاد صمیمی بین آلمان و ژاپون همه روزه در ازدیاد است و ضمناً اظهار تاسف نموده بود که ارباب کارخانجات آلمان از شاگردان فنی ژاپون فنون خودشان را مستور میدارند و این امر سبب گردیده است که ژاپونیان در ممالکی بروند برای

کسب صنعت که تا این باب نظر بی اعتباری بر آنها نشود در پارلمان آلمان بودجه سال جدید پیش شد و از میزان معینه دخل دولت زیاد شده و حصه از جا خالی سال گذشته را بر کرده و قیه جا خالی آن در سال ۱۹۱۲ و ۱۳ خواهد شد . و کمی بودجه امساله را از مالیات های جدید بر خواهند کرد و مصارف قشونی در سنه ۱۹۱۱ نسبت به سنه ۱۹۱۰ هشت ملیون مارك زیاد است و هرگاه امنیت برقرار باشد تا سال ۱۹۱۷ بیست و دو ملیون مارك اضافه اخراجات قشونی خواهد بود مصارف بحری بر طبق میزان سابق بوده است و در سال ۱۹۱۱ آخرین اقساط مصارف جهازات دریانات داده خواهد شد و در سال ۱۹۱۲ از مصارف غیر معمولی ۲۰ ملیون مارك کم خواهند نمود . همین ترتیب تا سال ۱۹۱۷ این مصارف موقوف و سپس مخارج معمولی را زیاد خواهند نمود

در ممالک وسطی و جنوبی اسپانیا طوفان شدیدی شده و بسیاری از دهات برباد و نفوس زیاد تلف گردیده است . و در آبهای ( جیل طارق ) هم طوفان شدیدی شده است

کابینه وزراء (ویانه) بواسطه معاملات داخله که رسوخشان در پارلمان کم شده بود استعفا دادند  
نظر بر اینکه تاج گذاری اعلیحضرت جارج پنجم در جنوری سنه ۱۹۱۲ مصادف می شد با محرم الحرام رجال دولت انگلستان وقت تاج گذاری دهلی را تبدیل دادند

### ▶ تلکرافات ◀

( ۱۷ دسمبر - ۱۴ ذالجه )

دولت آلمان در خاک ( السک بورین ) سلطنت قانونی و شوروی برقرار داشت و دو مجلس تشکیل خواهد شد که یکی بمبعوثین اش ۱۸ و دیگری ۶۰ باشد فقط فرمانفرما از طرف آلمان خواهد بود  
§ طوفان شدیدی که سالهاست مانند آن نشده بود در وادی طهمس - مغربی سکن و سومبرست واقع شد - و سیلاب شدیدی در ( پورتسمت ) نیز آمده است

§ سالی پاشا از بیت المقدس تلکراف نموده که بدون مخالفت قشون وارد (کبروک) گردید - پس از ورود قشون ملاحظه نمود که حکومت و انصران

( ۲۱ دسمبر - ۱۸ ذالحجه )

§ وزارت فرانسه را اراده این است که از مجلس ملی از دیاد قشون را دو (وادای) بخواهد  
 § بموجب تلگراف (پکن) دو هزار شاگردان مدارس (یامن) خدمت نایب السلطنه رسیده خواهش نموده اند که مرشدان آنان را دوباره افتتاح فوری پارلمان تقدیم پادشاه نماید - نایب السلطنه بتعمیل خواهش آنان اطمینان داده است - شاگردان موصوف بیرق بدست گرفته که بر آن نوشته بود «پارلمان فوری تشکیل شود» در تمام شهر گردش نمودند -

§ مستر اسکویت رئیس الوزرای انگلستان با اعلیحضرت جارج پنجم در بکنگهم ملاقات نموده يك ساعت کامل صحبتشان بطول انجامید و سپس بجانب (اسکاتلند) روانه گردید - اعلیحضرت عید میلاد مسیح را در (سندیگام) خواهند فرمود  
 § زوجه محترمه ولیعهد آلمان به قاهره رسیده و سیاحت ساحل نیل را خواهند فرمود

§ بموجب تلگراف (پکن) مجلس ملی چین خواهش نموده است برای تریاک آشان سخت ترین سزاهای سوی اعدام مقرر شود و هرکس خبری از تریاک کشان بیاورد اعزام باید

( ۲۳ دسمبر - ۲۰ ذالحجه )

§ بموجب تلگرافی که از جده اشاعت یافته مرض طاعون در آن جا شروع شده است  
 § بموجب اطلاع وقایع نگار نیویارک مراد دولت چین بدولت امریکا برای تعمیر يك فروند جهاز فرمایش داده - چه کارخانه امریکا تعمیر جهاز مذکور را خیلی بقیمت ازل قبول نموده و شرط شده است که مثل جهازات انگلیسی باشد

✦ نقل از روزنامه شریفه شمس ✦

از طرف ایرانیان جوان متنی عقد شده و در علیه اشغال اجنبی نقطهای شدید ایراد گردید برای اخراج عساکر اجاب مایشهای شدید گردید و قرار داده اند که در حال حاضر ایران باید به تکیه استناد کرده و از امپراطور آلمان طلب معاونت نماید، و در خصوص عدم ابراک خنل بی استقلال ایران به کابینه های دول اجاب هم مراجعت خواهد شد .

با ۲۸۲ نفر سرباز در قلعه کوچکی محبوس - و ادارات حکومتی را آتش زده مارت کرده اند - قشون قلعه دو مرتبه خارج شده جنگ سختی نموده و بسیاری از باغبان را نیز بقتل رسانیده بود - باغبان در تحت لوای (قادوجال) جمع شده بودند - قشون بجانب (ال طفیل) که در جنوب (کروک) است گسیل و راه آهن تا (السه) باز شده است -

( ۱۸ دسمبر - ۱۵ ذالحجه )

§ بموجب تلگراف پاریس رئیس جمهوری فرانس امروز با مسیو (اسواسکی) که از طرف روس سفارت وارد شده رسماً ملاقات نموده - درازدیاد اتحاد فرانس و روس بطق های شایان از طرفین داده شد

§ در مجلس ملی افریقای جنوبی (مستر سور) اظهار داشت که در راه آهن نیتال ۳۰۰۰ اهالی هندوستان مشغول خدمت اند اخراج آنها از کار سبب تعطیل کارهاست ، از این رو مقرر شده است که ازین و بعد اهالی هندوستان را بخدمت نگارند -

( ۱۹ دسمبر - ۱۶ ذالحجه )

§ در فرانسه مجدداً سیلاب زیادی آمده و سبب عرق بسیاری از مقامات گردیده است مرض منجوس و ما در اسلامیول رو بازدیاد است

§ بطریق غیر رسمی اشاعت یافته که پلیس چین در (ایکم) يك کپتان و يك کرنل و دو قزاق روسی را گرفتار نموده اند کرنل موصوف فرار نموده سپس دویت قزاق برداشته محبوسین را نجات داد - در این زدوخورد خیلی ها مجروح گردیده اند

§ مسیو اسوالسکی سفیر تازه روس در ضمن بطق خود که در ملاقات رسمی با رئیس جمهوری فرانس داده اظهار داشته است که اعلیحضرت امپراطوری مرا امر نموده اند که در ازدیاد اتحاد روس و فرانس مساعی جبهه بکار برده از اقدامات و افیه باز نیایم ، رئیس جمهوری نیز در جواب خود اظهار فرمود که من نیز کمال مجاهده را در ابقای اتحاد دولتین خواهم نمود، از این بیانات در پاریس چنان استنباط میشود که این گرجوشی نتیجه ملاقات امپراطورین روس و آلمان در پروتسلم است که وزیر خارجه آلمان هم در ۱۰ شهر حال در ریچستاک اظهار داشته است

سفیر روس پروتست نامه تازه ابراه را قبول نکرده و بیان کرده است که پس از این هرگاه کاغذی که در خصوص موجودیت عساکر اجنبی فرستاده شود قبول نخواهد شد.

رد نوطه ابراه در طهران باعث تأثر عظیم گردیده است. امروز بعد الظهر مجلس فوق‌العاده وزراء منعقد گردید، کمان می‌رود که مجلس مذکور قرار داده است که پروتست مزبور تأیید و تأکید گردیده است و یک صورت آنرا بسفیرای دول معظمه تبلیغ و اعطا نمایند.

دیروز باز برای برتسهای قبلی قشون اجنبی در ابراه متنی تازه عقد گردید. در اجتماع مذکور خیلی علماء موجود بود. پس از ایراد لفظها قرار داده شد که اگر استقلال ایران جداً دوچار تهدید و تهدک بشود بنا بحسبیت و منافع اشتراکی که بین مسلمانان هست بمعاونت عموم مسلمانان مراجعت نمایند.

( ترجمه از جراید انگلیسی )

بموجب خبریکه از کابل رسیده چند روز است که در دربار افغانستان منیاب مریدقشون در سرحد ایران بخت پیش و طاقت چنین فدا شده باشد است که در سرحد غربی قشون اضافه نمایند.

روزنامه بانیر در این موضوع مینویسد که قشونیکه از طرف افغانستان در سرحدات ایران میباشد کافی و سرحدات افغان از ایرانیان هیچ گونه محل خوف نیست و نیز منافسه ( هلمند ) هم نیازکی تجدید نشده که اضافه قشون لازم آید.

بموجب فرمائش امپراطور روس مشق مصنوعی و سان قشون بزرگی در ( قارص ) که سرحد عمانی و نزدیک سرحد ایران است خواهد شد.

بموجب خبر ( هشر خان ) از طوفان شدیدی که در دریای خزر شده بود ۲۳ جهاز بر باد و ۳۱۴ نفر تلف شده اند.

وزیر خارجه آلمان در لطف خود اظهار داشته که ما تصدیق داریم بمنافع مخصوصه روس در ایران، و روس هم تسلیم کرده است که اقدامی برخلاف تجارت آلمان که زیان رسان باشد در ابراه نخواهد شد، بلکه سعی خواهد بود بواسطه اتصال واه آهن بغداد ایران تجارت آلمان زیاد گردد.

( مسیو دوینکت سیف ) که برای انجام واه آهن قفقاز هند از وسط ایران بلندن آمده بود به پترزبرگ عودت و بیان نموده است که در انگلستان کامیابی حاصل کرده.

رئیس الوزرای آلمان در ( رجسٹاک ) اظهار داشته است که ملاقات امپراطورین روس و آلمان در ( بوتسم ) نتیجه نیک حاصل نمود و دولتین مصمم اند اقدامی که برخلاف منافع دولت نالی باشد ننمایند.

تلگراف خوانین نظام بختیاری

( از اصفهان به طهران )

نوسط جنابان مستطابان اجل آقای سردار محترم و آقای سردار بهادر - مقام منبع بندگانی حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوسکه دستخط مبارک تلگرافی در فرستادن سوار و استعداد برای تبیبه نائب حسین و انتظام الملك زیارت کرده جانفشانیهای ایل بختیاری و فداکاریهای جوانهای رشید آنکه در جنگهای متواتره شهید راه حریت و آزادی شده اند که امروزه خدا شاهد است کمتر خانه از بختیار خوانین مفعم در بختیاری دیده میشود که عزت و رادر کشته و بسر مرده نباشد فقط در مقابل این خدمات و جان نزاریهای وطن پرستانه دل خوشی که برای این طایفه و قایل بود همان عالم قدر شناسی و حق دای اولیاء امور ملت نجیب ایران بود که برای اخلاف و اعقاب خودمان در تاریخ سعادت این مملکت ذخیره افتخار تصور میکردیم.

بدبختانه پس از جنگ پارك انابك اعظم و مخالفت و شرارت مجاهدین که بتصویب مجلس مقدس شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه و هذت محترم وزراء عظام دامت شوکتهم امر بقطع وقع و گرفتاری آنها نموده که عده از بختیاری بکمک قشون دولتی جانفشانان نموده بعد از آنکه اشترار قطع وقع شد حالا تازه معلوم میشود این همه فداکاریهای خالصه هوش جلب قلوب محترمه باعث عداوت شده، بدبختانه باید متحمل بعضی الفاظ و نتهتهای ناشایست هم بشویم، مع هذا حسب الامر این خدمت را هم با کمال اشتیاق استقبال کرده جان برکف با ششصد نفر سوار مکل و مسلح حرکت و بفضل الله تعالی رفع شر این ناپاک را از سر مسلمانها خواهیم کرد مقروض

لزاداء دين منقې بطايبگار ندارد، ماها تا جان داريم خودمان را مقروض اين آب و خاک ميدانيم، فقط چيزي که پيش يا افتساده است پس از قلع و قمع نائب حسين و اشترار که دست ظلم و ستم بر جان و مال و ناموس اين مملکت دراز نموده و ابقاء باجدي نموده مفرضين حسين دشت کربلايش خوانند و اين خادمان دين و دولت را که در راه استقلال و انتظام مملکت از مال و جان مضايقه نموده قشون کوفه و شام خطاب کنند. انشاءالله نتيجه خدمات و فداکاري اين خادمان عما قريب بمرض آستان اولياء خواهد رسيد، انشاءالله پس از انجام اين خدمت با ششصد نفر سوار شريفاب ميشويم و براي انجام هر خدمتي جاناً و مالاً حاضر و اطاعت داريم.

شب ۲ شوال (لمفعلي) (خسرو) (نصير)

(يوسف) (سلطان محمد)

(ايضاً)

حضور مبارك بنديگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقاي سردار اسعد دام ظلله العالی، الآن که صبح جمعه ۲ است براي تکميل نواقص اتحاد و يك جهتي در سر مقبره مرحوم مغفور ايل خاني طالب نواه حاضر شده با حضور حضرت مستطاب آقاي معتمد خاقان دام اقباله که واقفاً او اين متمصب بقاء اين آب و خاک و محب حقيقي اين خانواده است در موقفي که تمام رؤساء خرد بختباري حاضرند يك دل و يك جهت بکلام الله مجيد قسم ياد نمودند و روح پدران و نيکان خودمان را شاهد گفته اولاً از تمام اختلافات گذشته صرف نظر کرده عهد مينمائيم که بفضل خدا و توجه ائمه اطهار عليهم السلام من بعد اين دو طبقه و دو خانواده را بصورت واحد دانسته مادام العمر به خلافي نکنيم و تمام قواي خودمان را يکي نموده متفقاً تا آخرين قطره خون و داراي خودمان براي حفظ استقلال ايران بکوشيم و از هر جا و هر کس نسبت باساس مقدس مشروطيت که در حقيقت خونبها و تدارك تلفات هزاران نفوس

محترمه است مخالفق مشاهده شود باجازه اولياء امور در انهدام او از جان مضايقه نکنيم، اگر خونبهاييک جوانان رشيد بختباري که در اين دو ساله براي حريت و آزادي اينسء وطن ريخته شده بدبختانه بي غرضي مارا ثابت نکرده اميدواريم با فدا کاريهاي آحاد و افراد مان من بعد مدال نمائيم که بختباري ايراني الاصل و ايراني نژاد حقيقي است. نه چشم داشت بوزارت داشته اند و نه طمعي بحکومت، فائده و نتيجه زحمات خود را همان حفظ نزديت ايرانيت ميدانند، پس در اين موقع هم صكه بيله خاطر و اشد رضا براي رفع بعضي شبهات مفرضين از هرگونه ابواب جبي و حكومتها که داشتيم استغناء داده فراغتي حاصل کرده ايم، با کمال شرافت و افتخار بتوسط حضرت اشرف عالي بامناي ملت و اولياء امور عرض مينمائيم که بفضل الله براي هرگونه جان فشاني و فداکاري باين آب و خاک حاضريم و باکمال اطمينان بدانيد اگر خدای نخواست از هر جا خطري تصور شود ماها بجان و دل استقبال مينمائيم فرما عصر هم يانصد سوار حسب الامر براي کاشان و قلع و قمع اشترار حركت مينمايند خاطر مبارك اولياء امور از هر جهت آسوده باشد

(لمفعلي) (خسرو) (نصير) (سلطان محمد) (يوسف)

(مرضي قلي)

جلالدين

کناره گيري خوانين عظام بختباري از حکومت و وزرات و مشاغل مهم، خلوص نيت اين ايل جليل را بر ساير فدا کاريهاي دو ساله آنان مزيت بخشيد الحق والانصاف اين اقدام تاريخي ايل جليل بختباري در اين موقع نازك از خدمات تاريخي در ادوار سافه فزوني گرفت و نام نيك شان تا ابد در تاريخ ايران بخوبی ياد خواهد شد

بلي - اين است معنی وطن خواهی، اينست معنی قنوت و جوانمردی، اين است معنی خلوص نيت و و از خودگذشتگی، حالا بحمدالله زبان معترضين بسته

گردد، هرگاه سربازین هم حسن نیت و خلوص عقیدت بشروطیت ایران داشتند باید تاسی باین خوانین عظام که مایه افتخار کلیه ایرانیانند جسته مانند آنان بدون لوث و غرض در خدمات ملیه و وطنیه ما هم دست اتحاد داده دشمنان خارجی را از پیش برانند، و لا اقل بهانه باجانب مدعند، آفرین بر نطفه پاک جوانمردان بختیاری، مرحبا بر وطن پرستی و مشروعه خواهی این خوانین عظام

حرکات خوانین جلیل بختیاری در ابراز خلوص و حسن خواهی آنان ملت ایرایه را در پیش ملل متمدن دنیا رو سنید ساخت، حالا ما می توایم با کمال افتخار بگوئیم که ایرانیان استقلال جو و آزادی خواهند، ایرانیان متحدند، این گوی سعادت را نیز خوانین عظام بختیاری ر بوده و این خوشنامی را هم این ایل جلیل بروی ایرانیان گذارد، ای کاش از ابتدای فتوح طهران سرداران جلیل القدر ملی این شیوه شیوا را اختیار نموده بودند که تا امروز مانند رجال با سیاست و دانش عثمان با منتهای متانت و رضانت مراده مشروطیت خودشانرا بگردش می آوردند

حالا هم دیر نشده و هنوز هم موقع از دست نرفته امیدواریم تمام سرداران ملی و رؤسای عشایر و علماء اعلام و ارباب سیاست ایران دست اتحاد بیکدیگر داده سیاست و شرافت و نجابت اسلامیت و ایرایت خودشان را بر طالبان آشکارا سازند و این ملت شش هزار ساله را نزد ملل سائره بخود عرضی و وحشت و عدم قابلیت به تشریف استقلال و آزادی بدنام ننمایند، و ما با یکدیگر سرت و بشاشت تشکرات صمیمی خودمانرا به آقای مومند خاقان حکمران اصفهان تقدیم نموده و میگوئیم ( این کار از تو آید مردم چنین کنند )

خدمات جناب عالی در طریق مشروطیت و استقلال وطن عزیزت بر احدی پوشیده بوده و نیست، ولی این خدمت اخیره که عبارت از اتحاد خوانین عظام بختیاری باشد ما فوق جمیع خدمات ناشیست، نکته سنجان میدانند که اگر خدای ناخواسته اختلافات از ایل جلیل بختیاری مرتفع نمی گردید خوف آن بود که استقلال این مملکت شش هزار ساله محو و نابود گردد، چه امروزه باتفاق دامایان بزرگترین قوای دوات عبارت از همین ایل جلیل بختیاری است و اگر این قوت صرف مناقشات و منازعات با یک دیگر

می شد دولت را بمحو استقلال ابدی دعوت میشود ما مرکز خدمات جنابالی را چه در مشروطه صغیر و چه در استبداد اصغر، چه در داخله و چه در خارجه، چه در وقت حرکت دادن ایل جلیل بختیاری بطرف طهران، چه در حکومت طهران و وزارت تجارت و غیره فراوش نتوانیم نمود، امیدواریم که در این حکمرانی نیز قسمی ادارات مشروعه اصفهان را منعم و مرتب فرمایند که سر مشق سایر حکام بلدان ایران گردیده این قرعه یکنامی هم بنام جنابالی در آید

از درون جان و بن دندان میگوئیم زنده باد خوانین عظام و سرداران گرام و فدائیان فخام ملت، پاینده ماد ایل جلیل بختیاری و حضرت اشرف سردار اسعد

### بوشهر

ادمیرال بزرگ هندوستان با زوجه شان چهار روز است وارد بوشهر، روز شنبه ۷ ذی الحجه قبل از ظهر دریایی رفت در ( سبزآباد ) دو فرسخی شهر که محل اقامت با یوز میباشد بملاقات ادمیرال، و عصر همان روز ادمیرال آمد بوشهر در چهار برج که مقر حکومت است به بازدید دریایی و میگویند منتهای سیرش الی بغداد میباشد - در این برج قوس چندین باران مافع آمده روز جمعه و شب یکشنبه ۸ ذالحجه که بیم خرابی داشت، روز شنبه هوا صاف و باد شمال که نشانه آفتاب است وزید گرفت - زابر خضر خاٹ ننگستانی و احمد خان (انگلی) چندروز است بوشهر هستند یعنی دریایی آنها را طلبیده معلوم نیست برای چیست، میگویند کسی با زابر خضر ملاقات کرده برسد در باب همسایه و استبلای او شا چه میگوئید، جواب داد تا کنون ۱۵ هزار نفر اهالی دشتی و دشتستان هم قسم و متحد شده که هرگاه مختصر همراهی دولت بها کند یعنی توپ که نداریم با برساند تا آخر قطره خون خود برایشی دفاع حاضر هستیم - میگویند نظام السلطنه از راه خرم آباد وارد دزفول شده و خیلی عجله دارد برای حضور در شیراز، صولت الدوله هم می آید بوشهر برای استقبال او، هفت الدوله هم که در واقع وزیر دستکار نظام السلطنه و یکسال است از کرمانشاهان بطرف شیراز و کاذرون آمده از کاذرون حرکت کرده بیاید بوشهر باستقبال نظام السلطنه، لاکن هنوز معلوم نیست که نظام السلطنه بخود بوشهر وارد شود یا از یک منزلی بوشهر عبور کند



( جبل المتین کلکته )

زمديکل کالج اسٹریٹ نمبر ۴

HABIBUL MATEEN OFFICE  
L. MEDICAL COLLEGE SURGERY  
CALCUTTA

( کاتبہ امور ادارہ با )

( مدیر کل مؤید الاسلام است )

( ہر دو شنبہ طبع )

( وسہ شنبہ توزیع میشود )

( ہر دو شنبہ )

( ۳۰ ذالحجہ ۱۳۲۸ ہجری )

ولا حق اخذ ابونہ بدون قبض ندارند و توافق کہ  
( مشترکین را قبض مخصوص سال ہیجدهم دست نباشد )  
( ذمہ شان بری شناخته نمیشود )

( قیمت اشتراک )

( سالانہ — شش ماہہ )

( ہند و برہمہ )

( ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ )

( ایران و افغانستان )

( ۴۰ قران — ۲۵ قران )

( عثمانی و مصر )

( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک )

سنہ ۱۳۱۱

# المتین

معاهده دولتین ایران و آلمان

( در سال ۱۸۷۲ میلادی )

( بہ نعتہ مرحوم مشیرالدولہ میرزا حسین خان )

( سببہ سالار و برادر بہارک صدراعظم دولت آلمان )

فصل اول — تعلقات و روابط دوستانہ صادقہ

بین دولتین علیتین ایران و آلمان ہمارہ کما فی السابق  
باقی و برقرار خواهد بود

فصل دوم — سفرا و وزیر مختاران و وکلای

دیپلماتی دولتین علیتین در ہر دو مملکت دارایی

حقوق متساوی خواهند بود و احتراماتیکہ در حق

سائر نمایندگان دول متحابہ مراعات میشود در بارہ

آنان نیز مرعی خواهد گردید

فصل سوم — دولتین علیتین در محافظت رعایای

یکدیگر و توسعه تجارت و فراہم نمودن اسباب

نجیب بین ملتین متعاهدین خواهند کوشید، ہر یک

از دولتین علیتین متعاهدین حق خواهند داشت کہ

سہ نمایندہ رسمی مخصوص در ممالک یکدیگر

برقرار دارند، نمایندگان سہگانہ مخصوص آلمان در

زہران و تبریز و بوشہر قیام خواهند داشت و

نمایندگان ایران در ہر نقطہ کہ دول سائرہ مامورین

رسمی دارند قیام نمایند نمود، نمایندگان دولتین علیتین

متعاهدین در ممالک یکدیگر دارای همان شرف و

احترامات مروجہ مملکتی خواهند بود - و با بیری

و ملازمین و متعلقین نمایندگان دولتین همان قسمیکہ

با سائر دول متحابہ مراعات می شود رعایت خواهد

شد - در صورت عدم امنیت داخلی مملکتین و

ضرورت دیدن مامورین دولتین بمحافظتین و طلب

نمودن شان ہر یک از دولتین اجابت خواهند نمود،

و ہمین قسم در حفاظت رعایای یکدیگر مراعات

خواہد شد، نمایندگان دولتین و رعایای آنها بدون

اجازت رسمی دولت نمیتوانند هیچگونہ قرار داد

سری و علنی با رعایای آن دیگری بنہند و ہر قرار

دادی کہ نمایندگان دولتین بہ بنہند خارج از دائرہ  
رسوم مروجہ مملکت با سائین نباید باشد

فصل چہارم — رعایای دولتین علیتین در مملکتین

آزادانہ دارای حصول آن حق و رعایتی خواهند

بود کہ رعایای سائر دول متحابہ هستند و یا من بعد بشوند

فصل پنجم — رعایای دولتین علیتین متعاهدین

بآزادی حق مسافرت و قیام و تجارت در ہر نقطہ

از ناطق مملکتین خواهند داشت و هیچگونہ مانع

از حکام برای آمان نخواہد شد و حکام محلی در

محافظت جان و مال و کوشش در عدم خسارت غیر

قانونی نسبت با آنها نخواہد نمود و بذریعہ فرامین

و مراسلات لازمہ در محافظت شان رعایت مخصوص

مرعی خواهند داشت -

فصل ششم — رعایای دولتین علیتین متعاهدین

در ہر دو مملکت اعم و اینکہ تاجر یا سیاح یا

کاسب باشند دارای ہر حقوقی خواهند بود کہ

رعایای سائر دول متحابہ هستند و میتوانند چہ

بذریعہ دریا و چہ براہ خشکی مال التجارہ خود شان

را در ہر نقطہ مملکت یکدیگر وارد سازند، یا مال التجارہ

خارج نمایند، و با حمل و نقل بممالک دیگر کنند، و

رعایای دولتین حق دارند کہ بر حسب قانون مملکت

خانہ و اسباب تجارتی و دوکان اجارہ نمایند و هیچگونہ

عوارض مخصوصی کہ شامل حال سائر رعایای دول

متحابہ نباشد با آنها ہم باید نخواہد شد، و ہرگونہ

حقوقیکہ قانوناً عدالت عالیہ ایران بہ سائر رعایای

دول متحابہ از قبیل خرید انبار و اراضی و دوکان

و غیرہ دادہ رعایای آلمان ہم دارای همان حقوق

خواہند بود، تاجر ایران و آلمان میتوانند در داخلہ

ممالک یکدیگر بر حسب قوانین مروجہ آن مملکت

ہرگونہ داد و ستد و معاملہ تجارتی بنمایند -

فصل ہفتم — با تاجر آلمان در ادای گمرکات